

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۲۸ صفحه

بیکار

سال دوم - دوشنبه ۲۶ آبان ۱۳۵۹ بهای ۳۰ ریال

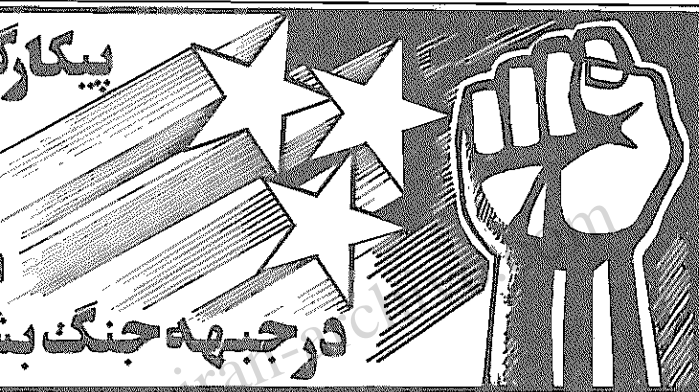
در صفحات دیگر این شماره:

- زندانیهای شاه هم کفاف رژیم جمهوری اسلامی را نمیدهد! صفحه ۲۱
- توطئه و خرابکاری بعثیها علیه جنبش های انقلابی خلقهای منطقه صفحه ۱۴
- مصاحبه با رفقا حسین رو حانی و تراب حق شناس پیرامون تماس با آیت الله خمینی در نجف طی سالهای ۴۹ تا ۵۳ (۱۰) صفحه ۱۶
- با چشم باز در افق خونین کردستان - خاطرات یک سرباز (۱۲) صفحه ۶
- پاسخ به نامه ها صفحه ۱۸

اجتماع کارکنان پالایشگاه و پتروشیمی آبادان آغاز جنبش اعتراضی در مناطق جنگ زده

صفحه ۷

بیکارگران شهید رفقا: حسین نورائی، غلام سقاط، بهرام شاهوران در جبهه جنگ بشهادت رسیدند



صفحه ۲۳ و ۲۸

جنگ، افزایش قیمت ها و گرسنگی هر چه بیشتر زحمتکشان

تحتی و گرسنگی و فلاکت ناشی از جنگ برای زحمتکشان ما از هم اکنون بوضوح بحشم مسخورد. برنج و روغن و قند و شکر و تخم مرغ و کمره نایاب است، نفت و بنزین، شخصیس با آغا ز فضل سرما کفاف نیماز زحمتکشان را نمیکند. صفهای نان روز بروز طویل تر میشود و انواع دیگر کالاهای مصرفی و مواد غذایی با املا وجود نداشته و توسط سرمایه داران احتکار شده است و با قیمت های سرسام آور خودنه سفره و خانه زحمتکشان، بلکه سفره و خانه سرمایه داران، بازاریان مرفه و جبرخواران رژیم جمهوری اسلامی رارنگین میکند.

بقیه در صفحه ۲۲

روستای ایندرفاش: قارنا و قه لاتانی دیگر قتل عام فجیع اهالی روستای ایندرفاش

صفحه ۵

مجاهدین خلق و جنگ بیانیه مجاهدین در رابطه با تجاوز عراق بازهم تزلزل در مقابل انقلاب

صفحه ۹

دشمنان به هواداران: سستی درباره فلاکت جنگ و جنبش نوده ای

صفحه ۲۷

جنگ عادلانه چیست؟

صفحه ۱۳

سرمقاله جنگ، گرانی و جنبش نوده ها

بحران اقتصادی در زمان رژیم مزدور شاه که نتیجه حاکمیت سرمایه داری وابسته بود، در دوران رژیم جمهوری اسلامی ادامه پیدا کرده و ابدا د جدیدی بخود گرفت. رسیدن بیسابقه گرانی افزایش بیکاری، شکاف با زهم بیشتر واردات و صادرات بنفع ورود کالاهای امپریالیستی تشدید استثمار و فقر نوده ها، همه و همه نشانه های تعمیق بیشتر بحران اقتصادی بود جنگ ایران و عراق این بحران را ابدا دو حشتناکی بختید. تخریب یکسری از مراکز صنعتی و اقتصادی بویژه صنایع نفتی، قطع درآمد گسترده نفت و نابودی مهمات جنگی بحران اقتصاد وابسته رژیم را به نحو بیسابقه ای گسترده نمود و این امر در شرایطی بود که رژیم جمهوری اسلامی برای ادامه جنگ، محتاج تامین بودجه نظامی و منابع مالی جهت خرید اسلحه های امپریالیستی می باشد.

بقیه در صفحه ۲

در شهری که ضد انقلاب حکومت میکند قطب زاده " مبارز کهنه کار از آب در میاید! " صفحه ۱۲

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱ جنگ ...

رژیم ارتجاعی حاکم برای حل بحران موجود مسأله‌ها را بر دانه‌ها، اما مقابله‌ای که باقیمت تشدید و بستگی به امریای لیم و نندید فقر و فلاکت توده‌هاست. جمهوری اسلامی از یکسو می‌کوشد تا هر چه زودتر مناسبات خود را بسازد. امریای لیم آمریکا به یهود سخته و قرار دادهای اقتصادی با ارتجاعی را به امضاء برساند و از سوی دیگر با گران کردن مایحتاج اولیه مردم و تشدید استعمار طبقه و توده‌ها به وضع بحرانی اقتصاد سروسامان دهد. جیره‌بندی آذوقه و مایحتاج اولیه مردم، افزایش مالیاتها حذف مزایای کارگران و کارمندان، افزایش آهنگ تولید توسط کارگران، افزایش قیمت اجناس و کالاهای مصرفی و بخصوص قیمت سبزیجات از یک تومان به سه تومان از جمله اقدامات ضد مردمی رژیم حاکم است.

آنچه مسلم است اینک این اقدامات بحران را تشدید کرده و زمینه عینی اعتراضات توده‌ها را گسترش خواهد داد. این اقدامات مستقیماً بر توده‌های زحمتکش فشار آورده و آنان را تحت شکنجه اقتصادی بیشتری قرار میدهد. کافق است به اثرات بعدی افزایش قیمت سبزیجات توجه شود تا بتوان با بحران را که بردوش زحمتکشان سنگینی میکند، ارزیابی نمود. همانطور که میدانیم، بعنوان نمونه در سیستم حمل و نقل بنزین نقش اساسی بازی میکند. حال با توجه به نقش شبکه حمل و نقل در مجموعه تولیدات صنعتی و کشاورزی و سیستم توزیع متوجه می‌شویم که افزایش بی سابقه قیمت بنزین چه اثرات وسیعی در ساخت قیمت مجموعه کالاها بوجود می‌آورد. برخلاف عوام فریبی‌های حکومت که چنین وانمود میکنند که گویا فقط قیمت بنزین افزایش یافته و قیمت کالاهای دیگر تغییری نخواهد کرد، حقیقت این است که گران شدن بنزین بطور مستقیم و بلافاصله بر قیمت تمام اجناس و کالاهای هزینه‌های عمومی تأثیر گذاشته و بطرز سراسر آوری هزینه‌زندی می‌کند. زحمتکشان جامعه ما را افزایش میدهد. رجائی عوام‌فریبانه‌گران شدن بنزین را کوشش در ایجاد "تعداد نسبی عادلانه میان مردم" وانمود می‌سازد. حال آنکه این اقدام ضد انقلابی عامل دیگری در جهت تشدید فقر و فلاکت توده‌ها و در جهت غارتگری سرمایه‌داران و دولت آنها بشمار می‌آید. اگر افزایش قیمت بنزین، قیمت نان، گوشت، برنج، پوشاک، خدمات عمومی و دهها و دهها مورد دیگر را افزایش میدهد و وضع اقتصادی زحمتکشان را وخیم‌تر نموده و آنان را به گرسنگی و محرومیت‌های بیشتر میکشاند، اما برای سرمایه‌داران و دولت آنان ثروت بیشتر به ارمغان می‌آورد. برواضح است که مسئله فقط مسئله گران شدن بنزین نیست، امروز بحران جامعه ما در

بستر آن بیگاری، گرانی عمومی و گرسنگی گلوی کارگران و توده‌های ستمدیده میهن ما را در پیچ و خم های خود می‌فشارد. امروز با کمیت ستمگرانه رژیم جمهوری اسلامی سس از هر زمان دیگر توده‌ها را به سخته آورده و جنگ غیر عادلانه دولتی سرمایه‌داری ایران گلوی زحمتکشان را بیشتر فشرده و فلاکت توده‌ها را به نحوی سابقه‌های گسترش داده است. مسئله اساسی درک این مطلب است که رژیم حاکم هرگز نمیتواند به وضع اقتصادی حاکم سروسامان بدهد و جنگ کنونی نیز بر اساس این بحران اقتصادی می‌افزاید و محرومیت و گرسنگی توده‌ها را افزایش میدهد. جنگ کنونی هزاران هزار نفر را توده‌ها را آواره کرده و خانه و کارخانه‌ها را نابود ساخته و گرسنگی و انواع واقسام بیماری‌ها را در میان آنان رواج داده است. جنگ کنونی مستمکی به دست رژیم داده تا بنام "دفاع از میهن و اسلام" برای تأمین اعتبارات جنگی، مردم را بیشتر غارت نماید. جنگ کنونی بهانه‌ای به دست رژیم داده تا از طریق گرانی، مردم را به خانه‌خرابی بیشتر بکشد. آری جنگ کنونی برای توده‌ها فلاکت بیشتر به ارمغان آورده است. اما فلاکت توده‌ها به چه معناست؟ فلاکت توده‌ها یعنی عریان شدن بیشتر جنایات بورژوازی، یعنی فرو ریختن بیشتر توهم توده‌ها، یعنی تشدید تضاد های طبقاتی و سرعت یافتن سیر مبارزه طبقاتی در جامعه. فلاکت توده‌ها یعنی نزدیک شدن انفجار رعبان نهفته توده‌ها. بقول لنین:

"در زمینه بحرانی که ناشی از جنگ است، تک جوشهای انقلابی در بین توده‌ها روبه افزایش می‌رود و مانند اتم با ت و نظاهرات سیاسی ... وسعت می‌پذیرد. مگر این آغاز برآمدهای انقلابی توده‌ها نیست؟" (اپورتونیسیم و ورشکستگی انترناسیونال دوم)

امروز در بستر بحران ناشی از جنگ توده‌ها بیش از پیش نسبت به رژیم حاکم بیزار می‌شوند. در چنین شرایطی برخلاف رویزونیست‌ها و اپورتونیسیت‌ها که با سداران صلح بورژوازی بوده و مخالف گسترش انقلاب می‌باشند، کمونیت‌ها - های راستین، کمونیسیت‌ها می‌باشند که بیگانه‌اندر راه انقلاب پیش می‌روند، خواهان برهم زدن صلح داخلی می‌باشند. آنان از صلح تحت حاکمیت بورژوازی نفرت دارند و این نفرت را به میان توده‌ها می‌برند. آنان از هر ناراضی جرقه‌ای میسازند و از هر جرقه شعله‌ای درخشان بسازی - کنند. آنان میدانند که لیب انقلاب فردا در گرو برافروختن شعله‌های خشم انقلابی امروز توده‌هاست. در اوضاع کنونی که جنگ نا عادلانه ناراضی عمومی را گسترش داده و با زهم خواهد داد، کمونیسیت‌ها بیگانه‌اندر می‌کوشند تا نشان دهند که فلاکت توده‌ها از جنگ است و جنگ

ادا مسیاست رژیم‌های ارتجاعی دو کشور است و برای از بین بردن قطعی فلاکت و محرومیت توده‌ها و ستمگری ارتجاع با بدبه انقلاب دست زد. کمونیسیت‌ها می‌کوشند تا به کوچکترین ناراضی و اعتراض توده‌ها جهت داده و توده‌ها را در مسیر مبارزه علیه حکومت سرمایه‌بکنانند. بقول لنین:

"به پشتیبانی از برآمدهای انقلابی توده‌ای، وسط و توسعه و تشدید آن، ایجاد سازمان‌های غیر علنی ... اینست تمام سرنام عملی سوسیال دموکراسی در این جنگ" (همانجا)

بنابراین وظایف ما روشن است. برای اینک انقلاب فرابرسد، برای اینک قدرت بورژوازی سرنگون شود و کارگران و سایر توده‌ها قدرت را تصرف کنند با بدخمن‌ناشی از جنگ و حکومت ستمگران را با بذراکاهای انقلابی بروش داده، اعتراضات و نظاهرات آنان را به مبارزه متشکل علیه حکومت تبدیل ساخته و هر چه بیشتر دامنه جنبش سراسری را گسترش داد.

اگر چه شعار تبدیل جنگ ارتجاعی به جنگ داخلی یک شعار استراتژیک است، اما این شعار بدون تدارکات قبلی تحقق نخواهد یافت حتی اگر موقعیت انقلابی برجای معه مستولی شود ولی اگر ماتداریات لازم را ندیده با شیم جنبش راه به پیروزی نخواهد گشت. بنا بر این ما باید انقلاب را در بستر بحران ناشی از جنگ بیش از هر زمان دیگر تدارک ببینیم. این تدارک یعنی بردن آگاهای انقلابی به میان توده‌ها، یعنی جهت بخشیدن به اعتراضات ضد جنگ آنها علیه حکومت، یعنی بسیج سازماندهی و هدایت مبارزه توده‌ها.

رفقا! جنبش توده‌ها در حال گسترش و وجگیری هر چه بیشتر است، فعلا نه به استقبال آن بشتابیم!

★ ★ ★

بقیه از صفحه ۲۶ لیب‌الها ...

کرده و آلترنا تیو کمونیسیت‌ها را شدیداً سرکوب کنند. همچنانکه کمونیسیت‌ها نیز برای بچنگ گرفتن قدرت می‌بایستی با این آلترنا تیوهای ارتجاعی دست و پنجه نرم کنند.

(۱) - هنگامیکه می‌کوشیم میزان، کیهان و انقلاب اسلامی ایران غمگنا را میریای لیم آمریکا هستند، به آن معناست که آزادگان، اطلاعات و جمهوری اسلامی در خطی غیر از حفظ منافع میریای لیم گام بر میدارند. روزنامه‌های ارتجاعی اخیر که بنحوی زیر نفوذ حزب جمهوری اسلامی قرار دارند بدینگونه‌ها می‌خندند که بسیر عکبه کمونیسیت‌ها و نیز حفظ منافع میریای لیم مرتب به لجن پراکنی می‌پردازند. ما در گذشته در این باره سخن گفته ایم و در آینده با زهم خواهیم گفت.

به استقبال جنبش او جگیر شده توده‌ها بشتابیم

جنبش کارگری



تبلور قدرت کارگران (کفش ملی) در مبارزه پرعلیه عوامل سرمایه داران!

روز دوشنبه ۵۹/۷/۲۱ دوتن از کارگران شرکت استا ندا ردوا بسته به گروه صنعتی کفش ملی که بعلت شرکت در جلسه عمومی شورا، چند دقیقه ای دیرتر به سرکار میایند، بوسیله فورمن قسمتشان، سه ساعت جریمه میشوند. شورا که دارای عناصر مبارزی است برای گوشمالی دادن به فورمن، او را بمدت سه روز جریمه میکند، این عمل موجب میشود که کلیه فورمن ها فردای آن روز پس از کارت زدن در ساختمان مدیرعامل و حسابداری و... بست بنشینند. کارگران که از این امر مطلع میشوند، خشمگین شده و به "هو" کردن فورمنها می بردا زندوبیدین طریق کینه دیرینه خود را نسبت به این عوامل سرسبیده سرما به داران نشان میدهند. کارگران برای آنکه نشان دهند که در تولید به این انگله احتیاجی نیست، خود به سازماندهی کارمی - بردا زند، و در ظرف دوروزی که فورمن ها سرکار نبودند، تولید را افزایش میدهند. اما شورا که نظرات سازشکارانه بر آن غالب شده بود، طی جلسه عمومی برای تصمیمگیری کارگران در مورد فورمن ها، موضع قاطع نمیگیرد و کار را به رای گیری واگذار میکند که در نتیجه در اثر وجود در جلسه که فورمن های وحشت زده و بزدل نیز در آن حضور داشتند، عده ای از کارگران در مورد بایستی قرار گرفته و رای به بازگشت فورمن ها میدهند.

این حرکت علیرغم ضعفهای آن که مهمترین عدم وجود رهبری قاطع بود، بیانگر قدرت لایزال و کوبنده کارگران بود که نشان دادند، زمانیکه اراده کنشده هیچ نیروی رایا رای مقاومت در مقابلشان نخواهد بود و این فقط کارگران و زحمتکشانی که جرخیهای تولید را صبرخا نند، نه مفت خورانی نظیر سرما به داران و عواملشان (فورمن ها و سرپرستها و...)

"جنگ" پنهانی برای تشدید خفقان و افزایش تولید در کارخانه لایزال

جنگ و تبلیغات رژیم جمهوری اسلامی هر روز به انواع و اقسام متفاوت گسترش می یابد. و هر چه بیشتر شیوه جان کارگران و زحمتکشان مکیده میشود. در این رابطه در کارخانه های مختلف و

بقیه در صفحه ۷

اخراج و محاکمه کارگران تراکتورسازی تبریز: نشانه وحشت رژیم از قدرت کارگران!

راضی بودند. بعد از چند روز با نوساله نمایند استا ندا ری (نفیسی) متحل اعلام میشود و سرپرست جدیدی به کارگران معرفی میگردد، کارگران نسبت به این عمل دست به اعتراض زده و کار نمیکنند. نفیسی بلافاصله با طاقش رفته و از طریق تلفن با سداران را با خبر میکند و سداران مسلح به کارخانه ریخته و ۳۴ نفر از کارگران را سوار ماشین نموده و به دادگاه انقلاب اسلامی تبریزی برند. درهما نروزی پنج نفر از کارگران با شعبه آزاد میشوند. بعد از آزادی این پنج نفر با زوجی بقیه شروع میشود که چند روز بعد از آن از آنها را آزاد میکنند و بقیه با تکلیف باقی می مانند.

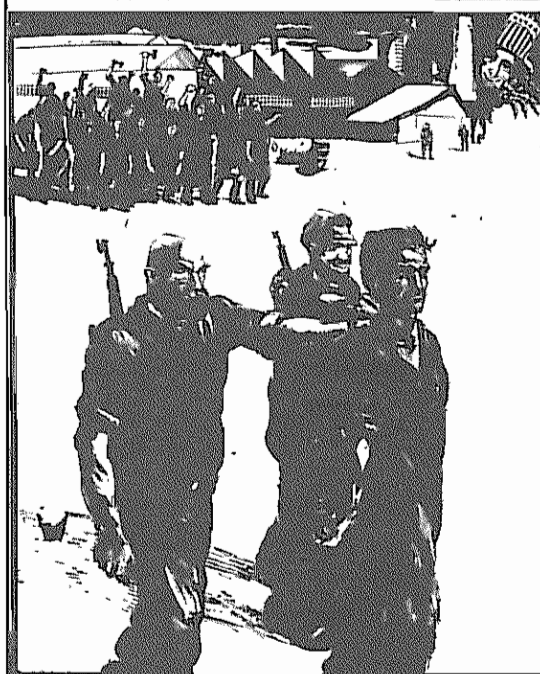
مادرزیر قسمتها می از اعلامیه ای از کارگران ساز و ابسته سازمان را در این باره می آوریم:

چندی پیش در رابطه با سازماندهی جدید تولید در کارخانه تراکتورسازی تبریز، مدیران تصمیم میگیرند که ۱۲۰۰ نفر از ۲۷۰۰ نفر کارگران کارمند را اخراج کنند. تصمیم به اخراج کارگران بدون نظرخواهی و منافع آنها صورت میگیرد. بخاطر جلوگیری از هرگونه حرکت اعتراضی، از ورود کارگران مبارز و آگاه و اعضای شورا به کارخانه جلوگیری میکنند. از پرداخت حقوق به آنها ممانعت مینمایند و با سداران را در کارخانه مستقر می کنند.

بعد از تمام فشار و زورگویی ها به کارگران یک نفر از مهندسی را بعنوان سرپرست قسمت خط "هولر" انتخاب میکنند.

قسمت خط هولر بعد از قیام به صورت شورائی اداره میشود اما کارگران از کارهای شورا

با استفاده از جنگ ارتجاعی ایران و عراق فولادپون ها آزاد میشوند و کارگران بطور دسته جمعی اخراج و زندانی!



کارگران مبارز!

* - جنگ ارتجاعی ایران و عراق، که از اول مهرماه، بخاطر سرکوب انقلاب و زحمتکشان و حفظ منافع سرمایه داران هر دو کشور، دامنه و شدت بیشتری یافته، زحمتکشان و کارگران این دو کشور را بیشتر به فلاکت و بدبختی خواهد کسانند.

* - گرانی، قحطی، احتکار مواد غذایی صفهای طولانی برای نان و مایحتاج اولیه زندگی و بیکاری هر روز از روز قبل بیشتر میشود و جیب گسا در سارمان به داران هر دو کشور با گران فروختن مایحتاج زندگی به قیمت قیری و بدبختی زحمتکشان برتر میشود

* - رژیم جمهوری اسلامی با بهانه قرار دادن جنگ نامعادلانه ایران و عراق، به شدت عمل بیشتری به سرکوب انقلاب و زحمتکشان بردا خسه و سرما به داری واسته را با تمام منهدهای ضد خلقی اس، به سرعت بازسازی میکند

بقیه در صفحه ۷

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

پیگار



تبلیغ از دیدگاه مارکسیسم - لنینیسم (۵)

اصل سوم: در آمیختن با توده‌ها (از توده‌ها به توده‌ها)

"عقادیده بعنوان عمده، بلکه بعنوان نیرو، جهان را مسخر میسازد، عقایدیده به نسبت محتوای فکری خود، بلکه با برتو زنده‌ای که در باره‌ای ساعات تاریخ از آن بیرون می‌تراود، آدمیان را در سنج خود میگیرد، بنداری بوی تند است که سرمی - خیزد، ضعیف‌ترین شامه‌ها نیز آن را می‌شنود، والاترین عقیده تا روزی که مسیری نکرده، بی‌اثر است." (۱)

تبلیغ نیز باستی مانده و وظیفه عملی دیگر، سرترما رکستی "از توده‌ها به توده‌ها" استوار باشد. در تریخ دوقانون اول و دوم، آنچه را که ما بستی از توده‌ها بگیریم نشان دادیم اکنون میخواهیم بگوئیم که تبلیغ باستی با توده‌ها در هم آمیزد و در میان توده‌ها سری شود. ما بذری هستیم که اگر در خاک توده‌ها حای تکبیریم، نمی‌توانیم ریشه بدو انیم و شوکوفسه بدو انیم و سادگی نابودخواهیم، برای این ریشه دواندن باستی تبلیغ، ترویج و سازمان دهی کرد. در آمیختن با توده‌ها قانون مشترک در میان کلیه وظایف عملی است، اما تبلیغ با بستی به مقیاسی بسیار وسیع‌تر توده‌ها را در برگیرد. توان یک حزب با سازمان کمونیستی نه در تعداد اعضا و کارهای سازماندهی شده آن بلکه در ارتباط با نفوذ توده‌ای آن ارزیابی میشود تبلیغ در میان وظایف عملی، بگانه‌سزایی است که بدلیل مشخصات و قانونمندیهای آن، قابلیت نفوذ در میان توده‌های بسیار وسیع را دارد. بدین ترتیب بیش از دیگر وظایف عملی با بستی با توده‌های وسیع بصورتی گسترده انطاق یابد. برای انقلاب لازم است که اکثریت توده‌ها خواهان انقلاب شده و فعالان در مبارزه سرکن و ورزشند و حداقل، آن بختی که در این مبارزه شرکت ندارند سطر می‌مست اتخاذ نمایند و این میکی نمی سودمگر با فضای وسیع دشمنان توده‌ها، روشن ساختن ذهن توده‌ها نسبت به مسائل انقلاب و جلب اعتماد توده‌ها سازماندهی مبارزاتی و افشاگریهای موقع

(۱) - رومن رولان - زان کرستف - جلد ۲

برای در آمیختن با توده‌ها کافی نیست که روحیات آنها را بشناسیم و مسائل اساسی آنها حرکت کنیم، بلکه باید با بدین تبلیغ شوندگان ما کینند. ما دریا سم که چگونه با آنها محبت کنیم، بدین ترتیب با بدیه دو یک توده‌ها با سب :
اولا: تبلیغ در میان طبقات مختلف معاویت است. چرا که غرایب طبقاتی، احساسات و نیازهای آنان غیرمتفاوت است، همین در این مسورد مکتوب:

"تبلیغ با بدیه نحوی محبت کند که منظوری درک شود، و با بدیهی را که برای سوبده - کانس کاملا آسانست، بعنوان نقطه شروع کار خود باحا نکند. همه این نکات، به خودی خود بدیهی است و کار برد آن محصر تبلیغی نیست که در میان دهقانان صورت میگیرد. شخصی تا چا راست با سورچی ها بسبه نحوی متفاوت با ملوانان و با ملوانان به نحوی متفاوت با کارگران چا پخانه محبت کند. تبلیغ با پیدا انطاطی فردی دانسته باشد." (۴) (تا کیدا زما ست)
بدین ترتیب گذشته از ارگان مرکزی که متعلق به کمونیستها و توده‌های پیرو است. نشریات، جزوات و... تبلیغی خاص دیگری نیز

بدین ترتیب به منظور آماده‌ساختن توده‌ها برای انقلاب با بستی به هر جایی که توده‌ها هستند رفت و در هر کام، ذهن توده‌ها را روشن ساخت. نگاهیشان را در جهت سویا لبیم ارتقاء بخشید، به همین خاطر است که لنین تاکید می‌کند:
"توان حزب به اسن امر بستگی دارد که کار تبلیغی اس تا چه حد قابل درک و مفهوم است و نیز تا چه حد میتواند سرتق توده‌ها قرار گیرد" (۲)

برای انقلاب لازم است که اکثریت توده‌ها خواهان انقلاب شده و فعالان در مبارزه شرکت ورزند و باحد اقل، آن بخشهایی که در این مبارزه شرکت ندارند بیطرفی مثبت اتخاذ نمایند و این ممکن نمیشود مگر با انشای وسیع دشمنان توده‌ها، روشن ساختن ذهن توده‌ها نسبت به مسائل انقلاب و جلب اعتماد توده‌ها، سازماندهی مبارزاتی و افشاگریهای موقع.

سازمان کمونیستی برای در آمیختن با توده‌های وسیع نه تنها به توده‌های پیشرو، بلکه به توده‌های عقب مانده نیز با بستی توجه داشته باشد. تنها اشکال و کیفیت تبلیغ در مورد این اقشار متفاوت است. ارگان مرکزی برای توده‌های پیشرو (و نیز تا حد و دی توده‌های متوسط) و نشریات محلی برای توده‌های متوسط (و نیز تا حد و دی توده‌های عقب مانده)

با بستی برای طبقات دیگر در نظر گرفت، اینکه تبلیغ شوندگان جزء کدام طبقه هستند، در کیفیت اشکال و انواع تبلیغ تا سرتمی گذارند.

ثانیا: تفاوت میان اقشار مختلف طبقه کارگر و توده‌ها، توده‌ها عموما از نظر آماجگی برای انقلاب به سه قشر پیشرو، میانی و عقب مانده تقسیم میشوند. کمونیستها کارگران پیشرو را با بستی کرد خود متشکل کرده و با تکیه به آنها بکوشند، کارگران میانی را تا سطح پیروان ارتقاء بخشیده و عموما صر عقب مانده را نیز بسبه طرفداران خود تبدیل کنند و آنان را نیز ارتقاء بخشند.

تبلیغ برای این سه قشر متفاوت است، لشی در باره نقش قسربندی کارگران در کونگی تبلیغ و در ارتباط با ارگان مرکزی میگوید:

"بنا بر این روزنامه‌های که میخواهد ارگان کلیه سوسبال دموکراتهای روسه بسود، با بددر سطح کارگران پیرو سادابس روزنامه‌ها تنها نباید سطح خود را بطور ساختگی و تصنعی با بین آورد، بلکه بالعکس

بقیه در صفحه ۲۵

بدین ترتیب برای رهبری مبارزه طبقاتی توده‌ها، با بستی تبلیغ کمونیستی در میان توده‌های وسیع خانه کند و در هر کارخانه، مزرعه محله زحمتکشان، مدرسه، اداره و... بذرا انقلاب بگارد، بیخود نیست که کمینترن فرمان میدهد:
"حتی یک خانه کارگران نیز در منطقه نفوذ حزب نباید خارج از تبلیغات ما قرار گیرد." (۳)

چرا که تنها تبلیغ میبواند همکاری و وحدت سازمان با حزب کمونیست را با توده‌های وسیع گسترش بخشد. اما برای اسن گسترش با بستی یک مسئله اساسی را در نظر بگیریم و آن اینست که تبلیغ ما با کدام طبقات و کدام اقشار توده‌ها در - همی آمیزد.

تبلیغ در میان طبقات مختلف و اقشار پیشرو، میانی و عقب مانده توده‌ها

(۲) - نفل قول لنین از کتاب علم انقلاب لنین و روانشناسی اجتماعی آورده شده است. صفحه ۳۲
(۳) - سومن کنگره کمینترن - اصول تشکیلات حزب

خلق ها و مسئله ملی



اخباری از کردستان

روستای ایندرقاش: قارنا و قه لاتانی دیگر قتل عام فجیح اهالی روستای ایندرقاش

با ساداران و مزدوران رژیم با ردیگری از روستاهای کردستان را به حاکم خون تبدیل کردند. آنها زنان و کودکان را قتل عام میکنند، جوی خون راه میاندازند و جنايات فجیعی همچون قتل عام قارنا، قه لاتان، کانی، مامسید و... می آفرینند. اما هیچکدام از این اعمال کوچکتر بین تزلزلی دراراده استوار خلق قهرمان کرد بوجود نیاورده است. برحمتش مقاومت خلق کرد در دست بیشرگان رزمنده جنبش توده های رحمتکش شهروستا همچنان در اهتزاز است. رژیم جمهوری اسلامی علاوه بر محاصره اقتصادی شهروستاها را با خاک و خون میکشد تا خلق کرد را بیزا خودر آورد. اینک نوبت قتل عام در روستای "ایندرقاش" رسیده است.

در تاریخ ۵۹/۸/۱۳ حدود صد نفر از جاشها و با ساداران کمیته های نقده در معیت چند زرهیوش توسط اتوبوس و مینی بوس به نزدیکی روستا های "ایندرقاش" و "دریا سن" ۱۵ کیلومتری میا با رسیدند. آنها پس از توقف نیروی خود را در دو قسمت برای با سلاح با کمازی و خلق سلاح مردم به این دور روستا گسیل داشتند. بکدسته از بیشرگان حزب دمکرات که قبل از ورود مزدوران رژیم، بد روستای "ایندرقاش" رفته

بودند بمحض اطلاع از ورود با ساداران از ده خارج شده و در باغهای اطراف موضع گرفتند. با ساداران س از ورود دیده، مردم را در مجتمع کرده و ساه تهدید و ارباب، آنها را به با دنا سزا و کتک گرفتند. با ساداران با اهالی زحمتکش روستا میگفتند: "ما ضد انقلابی هستیم و میدانیم که کدما تان اسلحه دارید اگر آنها را تحویل ندهید همه را قتل عام خواهیم کرد". در این اثنا، توسط بیسیم به فرمانده دستا اطلاع داده میشود که هر چه زودتر آنها همه را ترک کنند. بیشرگان حزب که قبلا در باغها موضع گرفته بودند بطرف آنها تیراندازی کرده و سپس عقب نشینی می نمایند. بدنیال این واقعه مزدوران جنايتكار رژیم به داخل ده بر میگردند و با جنايتی که انجام میدهند روی فاشیستهای هیتلری را سفید میکنند مزدوران ضد خلق بجان مردم بی دفاع روستای "ایندرقاش" افتاده و با کشتار عام اهالی دهکده جوی خون راه میاندازند. آنها ۳۶ تن از اهالی "ایندرقاش" را قتل عام میکنند که علاوه بر عده زیادی پسر مرد، جسد ۴ کودک و دو زن در بین اجساد کشته شدگان دیده شده است. جنايتكاران رژیم، با ردیگر قتل عام روستاهای قارنا و قه لاتان و کانی مامسید را در روستای "ایندر - قاش" میا با دتکار کردند.

حمله مغول وار جنايتكاران به روستاهای حومه نقده

هفته گذشته مزدوران رژیم جمهوری اسلامی را بدیگر در روستاهای کردستان اطراف نقده به جانیات خود با دتا زهای دادند: روستای "محمد شاه": مزدوران ضد خلق، این روستا را بکلی به آتش کشیده و چهار نفر از اهالی بی دفاع آن را بنیادت رسانیدند. اهالی این روستا هم اکنون در کوهها آواره شده اند.

روستای "با شیر آباد": نیچی از این روستا به آتش کشیده شد. جنايتكاران رژیم جمهوری اسلامی دوتنفر را کشته و چند نفر را محروح نمودند. روستای "کلوان": مزدوران رژیم پس از محاشی و کتک زدن عده ای از اهالی، برای ارباب آنها چشمان دوتنفر از اهالی روستا را از حقه در آوردند.

خاطره رفیق شهید،
پیشمرگه زحمتکش
و انقلابی کومله
"کاک احمد قادر مجید" را
گواهی بداریم

تظاهرات پر شور مردم مبارز علیه
اجتماع ۱۰۰ نفری چریکهای اکثریت،
با ساداران، حزب توده و...

مهاباد ۵۹/۷/۲۹

ساعت ۱۰ صبح بد دعوت سباه با ساداران و به منظور پشتیبانی از رژیم ایران در جنگ ایران و عراق "تظاهراتی" در شهر ترتیب داده شده بود در این تظاهرات حدود ۱۰۰ نفر شرکت داشتند. سازمان چریکها (اکثریت)، حزب توده، پیروان کنگره چهارم حزب دمکرات و با ساداران هر کدام طی اطلاعیه هایی هواداران خود را به شرکت در این تظاهرات دعوت کرده بودند. همزمان با آن عده کثیری از مردم مبارز و قهرمان میا با د با برپایی تظاهرات پرشوری نشان دادند که علیرغم همه حنايتها و کشتاری که رژیم در این شهر راه انداخته است، همچنان با روحیه انقلابی مبارزه می امان خود را بر علیه سرکوبگران ضد خلق به میس خواهند. تظاهرات کنندگان در حالی که بدنیال اجتماع ۱۰۰ نفری با ساداران، چریکهای اکثریت، حزب توده و دیگر مرتجعین بر راه افتاده بودند شعار میدادند: "هزبزی جوسیئی موقا و مه تی خلکی کورئ (زنده با جنبش مقاومت خلق کرد)", "بزی هیزی بیشرگه، دو ژمن نه سب مهرگه" (زنده با د نیروی بیشرگ، نصیب دشمن مرگ است). "شهری شیران و عیراق، شمیری کوله به ره ستان، نزیه رحمه تکیشانه" (جنگ ایران و عراق جنگ مرتجعین است با هم و بر علیه زحمتکشان) در نزدیکیهای قارا زامینان با ساداران به تظاهرات کنندگان حمله کرد و تظاهرات کنندگان صمن جنگ و گریز خبا بانی با ساداران شعار میدادند: مرگ بر سادار، مرگ بر جاش. تظاهرات ۱۰۰ نفری چریکها و حزب توده و با ساداران و دیگر مرتجعین نشان داد که آنها چه اندازه در شهر میا با د بیروبا ختا ندو خلق کرد چگونه آنها را از خود میرانند. (بمنقل از خبرنامه ۸۶ کومله).

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

کردستان در آستانه قحطی و گرسنگی

کردستان قهرمان همچنان در محاصره اقتصادی شدیداً زحاکب رژیم قرار دارد. رژیم ارسال هرگونه مواد خوراکی و دارو به شهرهای کردستان جلوگیری میکند. هم‌اکنون خلق کرد از داشتن غذا و دارو سدیدترین و حده در مصیقه هستند. برنج کیلوئی ۳۵ تومان، تخم مرغ هر عدد ۴ تومان، نفت بنگه‌ای ۹۶۰ تومان و بیک لنگه آرد ۱۸۰ کیلوئی ۶۰۰ تومان، باری همه - جانبه به خلق کرد و ارسال مواد غذایی، داروئی و پوشاک به کردستان به هر طریق ممکن و طیفه نامنیروهای انقلابی است.

خبری از ترکمن صحرا

سوء استفاده خائنانه سازمان چریکهای (اکثریت) از خون شهدای خلق ترکمن

روز جمعه ۵۹/۸/۱ به مناسبت صدمین روز شهادت رزمنده خلق ترکمن "عبدالله قزل" قرار بود هواداران سازمان چریکهای فدائی (اکثریت) مراسمی در روستای "خوخلر" - زادگاه قزل - برپا کنند. قابل سیبسی بود که رویزیونیستهای اکثریت چیزی خارج از چهار چوب قوانین جمهوری اسلامی نخواهند گفت. البته آنها هر چه میخواهند خود را به رژیم با مصاحبه فدا میریایست بچسانند تا شاید مقامی بدست آورند، رژیم به آنها توهنی میزند، آنها را در مرز خلق سلاح میکند و با در نقاط دیگر مسئولان و هواداران شان را دستگیر و زندانی میسازد و ...

در برگزاری مراسم صدمین روز زمننده شهید "عبدالله قزل" نیز با سازمان (که فدا گیان خوششان را با خون آنها در میا میزند) با جلوگیری از اجرای مراسم بزرگداشت، "برادری" خود را با چریکهای اکثریت نشان دادند. با سازمان به محل برگزاری مراسم، "برادرانه" حمله کرده و چند نفر را نیز دستگیر کردند. خاشاک به خلق بدون آنکه مقاومتی نکنند، بنا به خواست پاسداران برنا میزگرداشت را بهم زدند. آنها با ردیگر نشان دادند که در خدمت رژیم در هدستی با پاسداران، خون شهدای جنبین را وثیقه نوگری سی حیره و مواجب خود به رژیم قرار داده اند.

جالب اینکه همزمان با صدمین روز شهادت "عبدالله قزل" بدست دزخیان رژیم جمهوری اسلامی، سازمان چریکها (اکثریت) اریکطرف طی

خطرات يك سرباز (۱۲)

اینهارا باید بهر وسیله از بین برد

۲۷ اردیبهشت

امروز گردان تانکی که از زنجان حرکت کرده بود، به سقز میرسد. تا یارب رسیدن اسن گردان وضع ما روشن شود. اما در هر صورت، ما موریت شوم خود را که همان زدن کبریست و فروختن آنی جنگ بوده است، انجام داده ایم. روحیه همه سربازان سخت گسل است. اسن بکجا جنگ فرسایشی و شرکت در کشتاری که هدفش را خود نیز نمی دانند و آن اعتقادی ندارند، اسرده نمان کرده است. آنها هیچ اعتقادی به ادا جنگ ندارند و روحیه شان مصف شده است. همه در انتظار بازگشت به خانه هستند. ما به در زمانی که ارگنا کت اسن هنگامه رستند بتوانند قدری مکر کنند که در اسن مدت حد نقی داشته اند! اما اکنون هیچ جبر جز بازگست سراسن مطرح نیست. از سد کسالت زمینی و زمان فحش می - دهند و با دیدن زخمی ها به نوده ها ناسرامی - گویند! و به این ترتیب با مصاح "دقی دلی" خود را خالی میکنند. دیدنشان در اسن حالت ترحم انگیز است و نفرت از جنگ امروزان را - آن بالائی ها را که دور از میله آوده اند سنی از بین در قلمب می نشانند. اکنون که می نویسم، هر سنگر هتم، در سنگری که معلق به من نیست، فکر و روحم در رفتار است. از یک سو ندان درد کلاسه ام کرده، و از سوی دیگر سرفکارنا را حاح کننده - ای که در رژیم می خرند، سخت گلم.

ساعت ۷/۵ بعد از ظهر، روز ۲۷ اردیبهشت:

آمدن سربازی، فترده سدن در سنگنه مقضبات و سپس آمدها و رفتن بربر آسحه در جریان است. باعث شده که هر چه بین ترا درست فکر کردن و درست اندسیدن دروسوم، بعضی مسائل در فکر مهم آسخته و گاه میسوانم در برابر حوادث و عملگردهای دیگران برخورد درستی داشته باشم در روحیات خود نیز تغییراتی احساس میکنم. گاه بخود می آیم و می سنم که برخورد ما دوستان سربازم غلط بوده است. سراسن سائل ساده با آنها در امتادن ما حوطه برخورد نکردن ... بدون آنکه در نظر بگیریم که موقعیت آنها

ما می به حضور آبت الله خمینی! خواهان این عیسود که "خون با سدا روفدائی در هم بیا میزد" و از طرف دیگر بوسیله هوادارانش تصمیم به برگزاری مراسم بزرگداشت صدمین روز شهادت "عبدالله - قزل" میگیرد و او را از اقرا د خود میخواند. ما سمرسم آبا خون یک رزمنده خلق ترکمن چگونه میتوانند با خون با سدا رانی که قاتل او هستند در هم آمیزد؟ و آبا عبدالله قزل را میتوان در زمره کسانی دانست که امروز به در یوزگی از قاتلین اسن رزمنده خلق برخاسته اند؟

با چشم باز در افق خونین کردستان



چیس و حاسطاراتی رامی توان از آنها داشت گاهی این فکر بمن دست میدهد که اطرا تم بر از مزدورانی است که نمیتوان با آنها مثل دوست رفتار کرد. اما مبدانم که این نمیتوانند درست باند، آنها انسانهایی هستند که در درون این نظام گرفتار آمده اند. نظام ما کم آنا ترا چنین می برورد. مبره هائی برای کتار. مبره هائی که چون و چرا نمی کنند نمی سرستند دشمن ما کست؟ چرا باید مردم زحمتگس را بکشیم؟ و ... (ارتس جراندا رد!) آنها هم خانوادها ای دارند، دوستانی و زندگی ای که به آن تعلق دارند. آنها نمی خواهند جان خود در راهی که خود نیز نمی دانند به کجای رسد از دست بدهند، اما در اجبارند. در بیح و مبره های این دستگاه - جاز سازی میشوند و بدور از اراده شان بکار می افتند خسته و کسل میشوند، و حتی و درنده میشوند فحش میدهند، با سزای می ثوبند، می درند ... و می کشند سی آتکه بدانند چرا با ساختن این مسائل، با فیهیدن موقعیتشان، با سدیتوانم با آنها برخورد کنیم تا آنجا که نمیتوانم با ریسان ده هم که بشناسند و آگاه شوند.

اما چرا اسن روحیه را پیدا کرده ام؟ تا بدشرا یط استجاست که باعث میشود، فقط به فکر خود میای! با بد فکر کنیم و تصمیم جدی تری بگیریم. ایمان و عشق به خلق، قاده راست که جلوی این سردرگمی - ها را بگیرد، بیس سرو! ما ندن مردن است. (ادامه دارد)

بقیه از صفحه ۲۵ تا کسیرانان ...

امروز رانندگان آگاه که به توطئه های رژیم واقف میباشند، ما نندا سرتوده های خلق ما ننیدنا معترض هستند. آنان به افزایش قیمت بنزین اعتراض داشته و در سی اعتصاب میباشند بنظر ما این حق مسلم رانندگان تا کسی و و انت - ما راست که ما اعتصاب دست زنند. رانندگان آگاه در سراسر ایران دولت فریبکار را بدست به مقاومت بزینند. آنان با ننیدنا ننند که افزایش قیمت بنزین یعنی افزایش قیمت مواد مورد نیاز زهمه مردم و فقر و فلاکت آنها، آنان با بسند بداند که افزایش قیمت بنزین یعنی خدمت به سرمایه داران و خدمت به رژیم حاکم.

رانندگان آگاه! مبارزه شما جزئی از مبارزه تمام مردم آگاه ایران علیه رژیم جمهوری اسلامی میباشد. بر شماست تا هر چه بیشتر به افشاکری از رژیم حاکم دست زده، مقاومت و مبارزه خود را علیه رژیم گسترش داده و همبستگی خود را با کارگران و سایر زحمتگسنان مستحکم سازید!

پنجه از صفحه ۳ جنگ ...

با حیل‌های متفاوت، تولیدی‌ساعات کار را افزایش می‌دهند.

گزارش زیر یکی از نمونه‌های فراوانی است که موافقان را نشان می‌دهد. این گزارش از کارخانه لایزال تهیه شده است.

به‌بهانه جنگ و "دفاع از میهن" بر پشت کار کارگران اعزوه شده است. ساعات کار را افزایش داده‌اند.

از پرداخت دستمزد به بهانه اینکه با نکیه پول نمیده‌ند، خودداری میکنند. وحشی تعدادی از کارگران را اخراج کرده‌اند.

کارگران را در مواقعی که وصیت قرمز است به کار می‌کشاند و از خروج آنها جلوگیری به عمل می‌آورند.

روزیونیست‌های فدائی (اکثریت) و دیگر جریان‌های انحرافی به کمک عوامل رژیم در کارخانه می‌شتابند و جلوی هر اعتراضی را به بهانه اینکه "جنگ است" و "میهن در خطر است" می‌گیرند.

کارگران بخوبی عوارض ناشی از جنگ را حس میکنند، و رفت‌وآمدها را صیقلی از جنگ در آن‌ها شت می‌گیرند.

اجتماع کارکنان پالایشگاه پتروشیمی آبادان:
آغاز جنبش اعتراضی در مناطق جنگ زده

تهران: روز شنبه ۱۰ آبان ماه در حدود ۳۰۰ نفر از کارکنان پالایشگاه پتروشیمی آبادان گردهم نشستند و خود را از مهلکه جنگ لاجت دهند برای رسیدگی به وضعیت و تحقق خواسته‌هایشان در جلوی ساختمان مرکزی شرکت نفت اجتماع کرده بودند. مقامات وزارت نفت بجای رسیدگی به خواسته‌های بحق این جنگ زدگان هستی باختند و وقتاحت به آنها گفته اند که "جرا آمده‌اید" این منطق ارتجاع است: حالا که پالایشگاه و کارخانه - ای در کار نیست که شما را استماری کنیم، ما را با شما کاری نیست! اینان با خنم زبر خورد‌های زنده مسئولین می‌گفتند که: "شما اگر ناراحتید به پاسداران تان بفرمائید همین الان ما را بکشند، چون اگر در آبادان می‌مانیم سر و پستان همان مرگ بود."

خواسته‌های کارکنان پالایشگاه پتروشیمی آبادان عبارت بود از:

الف - قطع حملات دستک‌های تبلیغاتی

پنجه از صفحه ۸ افزایش ...

این است که طبقه کارگر و متحدینش را به سپاه از راه حقیقی مبارزه‌شان که همانا راه انقلاب است منحرف نسازند، بلکه با شما قوا سلاطین نمایند تا بقول لنین آموزش را بر برگ طبقه کارگر، از این پریشانی (ناشی از جنگ) برای پیشبرد انقلاب بهره‌بردار می‌کنند.

بنابراین "افزایش تولید" در جنس شرایطی چیزی نیست جز تقویت و تحکیم رژیم سرمایه‌داری چیزی نیست جز برگردن جیب سرمایه‌داران و امپریالیست‌ها از یک طرف و افزایش فقر و فلاکت کارگران و زحمتکشان از طرف دیگر، و با لایزال افزایش تولید در شرایط کنونی نتیجه‌ساز نخواهد داشت جز به تعویق انداختن انقلاب و تقویت ضد انقلاب.

طبقه کارگر که زندگی در فشار و کار طاقت‌فرسا میگذرد هیچگاه از افزایش شدت کار بخودی خود هراس ندارد، اما مسئله اینجاست که آیا این افزایش تولید به نفع چه کسی است؟

زما سبکه افزایش تولید در خدمت انقلاب و نفع کارگران و زحمتکشان باشد، و با زمانیکه کارگران و زحمتکشان قدرت را در دست بگیرند و قدم در راه سوسیالیسم بگذارند، آری در آن زمان خواهد بود که کارگران به منظور پیشبرد انقلاب و تسریع ساختمان سوسیالیسم که رهائی انسان را به دنبال خواهد داشت، با تمام توان خویش کار خواهند کرد و از تمام استعدادهای خود به‌منظور افزایش تولید استفاده خواهند نمود!

پنجه از صفحه ۳

با استفاده از ...

- ۱- خلق کردار ناشد، هر چه تمام تر به خاک و خون میکشد
 - ۲- شوراها را منحل میکنند.
 - ۳- نمایندگان کارگران و کارکنان مبارز را اخراج و زندانی میکنند.
 - ۴- مدیران و سرپرستان طاغوتی را به سرکار بازمیگردانند.
 - ۵- جهت حفظ منافع امپریالیست‌ها و سرمایه‌داران، ارتش ضد خلقی را با سازی کسورده و جنایتکاران شاهنشاهی را بسرکار بازمیگردانند.
 - ۶- سوز و دود و آتش که جزئی از حقوق ماست، لغو میکنند.
 - ۸- ساعات کار را از ۴ ساعت به ۴۴ ساعت می‌رانند و ما گوشه‌ای از این اعمال ضد انقلابی را در کارخانه خودمان (تراکتور سازی) بحوسس می‌توانیم مشاهده میکنیم:
- میبینیم که شوراها بمان را منحل و نمایندگان منتخب ما را اخراج و با زندانی میکنند.
- میبینیم که مدیران و سرپرستان طاغوتی باز میگردند و با هم قوانین شاهنشاهی اجرا میشود.
- می‌بینیم که کارگران خط هولر را تنها بجز ما اینکخواه‌ها شوراها را اداره کردن قسمت خود می‌باشند، دست‌جمعی تحویل دادگاه ضد انقلاب اسلامی میدهند.
- آری، رژیم که فولادیون‌ها (مدیرعامل سابق کارخانه) را بیگناه تشخیص داده و بر

معذرت خواهی آنان را آزاد میکنند، با به هم کارگران را بجزم شورا خواستن در دادگاه‌های ضد انقلابی خود محاکمه کنند و این خصلت تمام رژیم‌های ارتجاعی و سرمایه‌داری دنیا میباشد.

کارگران مبارز!

دولت‌های سرمایه‌داری ایران و عراق، کارگران و زحمتکشان و فرزندان آنها را با ایجاد این جنگ، به جان هم انداخته‌اند تا هر یک به قیمت کشته شدن عده بی‌شماری از طبقات زحمتکش ورنجیده منافع طبقاتی خود را که همانا جفا و غارت بی‌شمار زحمتکشان است، بر آورده‌اند. ولی کارگران با به این نوع جنگ‌ها که تنها، منافع سرمایه‌داران و امپریالیست‌ها در آن نهفته است، محکوم ... نمی‌بندند. کارگران فقط باید در جنگی شرکت کنند که عادلانه باشد، یعنی جنگی که برای از بین بردن استماریت و برپایی برقراری حکومت انقلابی باشد و ما تنها چنین جنگی را برحق و قابل دفاع میدانیم و جنگ ایران و عراق را، که جنگی ارتجاعی و نفع سرمایه‌داران و امپریالیست‌ها، بخصوص امپریالیسم آمریکا و سوسیالیسم شوروی میباشد، به همراه تمام زحمتکشان ایران و عراق محکوم ... میکنیم.

عده‌ای از کارگران ما رزتر اکتور سازی وابسته به سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

- قسمت دوم -

۲- راه کارگر چگونه طبقه کارگر را به سازش دعوت میکند؟

در شماره قبل گفتیم که چگونه سرمایه داران ورزیم به بیانه جنگ ارتجاعی که سرمایه داران اند، درصددید که فشا را با زهم سنتر سرگرده کارگران و زحمتکشان منتقل کنند و لذا برای کار و تولید را تبلیغ میکنند. همچنین گفتیم که رویزیونیستها (این خائنین به طبقه کارگر) چگونه همصدا با یوز و زوازی همین شعار را تکرار میکنند و در این رابطه "افزایش کار و تولید" از بدگاه رویزیونیستهای "اکنرست" را بررسی کردیم.

اما این فقط رویزیونیستها نیستند که به رگران "ره نمود" (ره نمودی که در واقع کارگر - این راه جا به یوز و زوازی هدایت میکند!)، "افزایش تولید" را مبدهند. رفقای "راه کارگر" نیز (هر چند خجولانه!) همین "ره نمود" را به کارگر - این اراکه میکنند، رفقا میگویند: "افزایش تولید ضروری است" (راه کارگر ۴۵ صفحه ۹) و حتی آنچنان بیس مبروند که "۱۴ ساعت کار" کارگران درقبال دریافت "۸ ساعت حقوق" یعنی ۴ ساعت سیکاری کارگران را، تا شید و تشویق کرده و آنرا "فداکاری قابل ستایی" (۱) میخوانند (همانجا) - با بد ز راه کارگر "سئوال کرده که راستی حاصل این سیکاری عابده کسان می - شود و "فداکاری قابل ستایش" برای کست؟ اما "راه کارگر" که گویا حدس زده است با بد خوابی سئوالات را سدهد، به شرط و شروط تراسی می - بردارد و میافزاید: "افا فده تولیدی که بدین ترتیب بدست میاید با بدست توسط شورای کارگران مستقیما توسط خودا و به مناطک جنگ زده فرستاده شود این محصول به هیچوجه نباید وارد بازار آزاد کرده". (همانجا) فرض کنیم تحلیل "راه کارگر" از جنگ ارتجاعی کنونی درست بوده و فرض کنیم که جنگ عادلانه است (که نیست) ، در این صورت مگر امکان بدی است که تولید اضافی کارگران را آنطوری که راه کارگر میگوید به مناطک جنگ زده منتقل کرد! در صورتیکه میدانیم: اولاً بسیاری از شورا های کارخانجات آلت دست کارفرما و رژیم هستند، ثانیاً در کارخانجاتی هم که شورا های واقعی کارگری وجود دارد، چه تضمینی وجود دارد که محصولات افافه تولید شده حتما به مناطک جنگ زده میروند و کارفرما و دولت هر کاری که بخواهند با آن نمیتوانند بکنند؟ و اصولاً مگر تمامی محصولات کارخانجات بدرد مردم مناطک جنگ زده میخورد؟ ...

اگرچه اساس تفکر راه کارگر در مورد "افزایش تولید" نادرست و انحرافی است ولی مطالب

"افزایش تولید" در جنگ ارتجاعی، شعاری در خدمت طبقه سرمایه دار!

حاکم، میکوشند تا کارگران و زحمتکشان را به دفاع از منافع سرمایه داران وادارند. آنگاه رفقای "راه کارگر" با همصدائی با آنان، عملاً به تقویت صفوف فدا انقلاب و انحراف مبارزات کارگران می پردازند.

اما ببینیم منظور "راه کارگر" از مفهوم جنگ میهنی "که میخواد هدبرای کارگران آنرا "روشن" نماید چیست: "راه کارگر" مراحتاً فرمان توقف مبارزه طبقاتی و نبرد توقف ناپذیر طبقه کارگر با سرمایه داران را مادم میکند! و بالاتر از آن صحبت از "همکاری" سرمایه داران با کارگران میکند! رفقا می نویسند: "هر کدم از آنها (سرمایه داران) خواهان همکاری در جنگ مقاومت باشند، اقدامی بر علیه آنها (از جانب کارگران) صورت نخواهد گرفت." (تاکیدها و برائتها از ماست - همانجا) و با با هم واضحتر میگویند: "سرمایه داران و مدیران را قبل از اینکه عملی برخلاف منافع خلق، یعنی اختلال در مقاومت ضدتجاوز انجام ندهند، نباید خود را ند." (تاکید از ماست - همانجا صفحه ۱۰) برآستی این رفقا چه میگویند؟ مگر و احترازا این میتوان آشتی طبقاتی را تبلیغ کرد؟! رفقا آشکارا (و ناشیانه - ترا رویزیونیستها حکممازش بین طبقه کارگر و طبقه سرمایه دار میدهند! رفقا که ادعای پیروی از آرمان طبقه کارگر دارند، چگونه است که اینجنین به نقض اصول اساسی آن پرداخته و سازش طبقاتی را آشکارا تبلیغ میکنند؟ رفقا دفاع از ارتجاع داخلی (رژیم) را در مقابل مسل نیروی "تجاوزگر" که گویا "ارتجاعی تر" است، تجویز میکنند! و این چیزی نیست جز به فراموشی سپردن مبارزه طبقاتی و فرمان "تعطیل آنرا دادن! در صورتیکه طبقه کارگر در راه رسیدن به اهداف انقلابیش راه پرپیچ و خم و دشواری را پیش رود! در کده همواره تحت هر شرایط، مستقیم و غیر - مستقیم، با سرمایه داران، نبردی حاد و خستگی ناپذیر دارد. کارگران هیچگاه وحشتی از "رانده شدن" سوز و آزی نداشته و انشاقا میخواستند برای همیشه این طبقه استمنا رگر را از روی زمین "براند" ! فقط کسانی که سودای سازش طبقاتی دارند از

صوق را از آنجیت گفتیم که نشان دهم تا چه حد با به استدلال این رفقا است و آنهم استدلالی که برای "آسودگی وجدان" و در واقع توجیه - نظریان در مورد "لزوم افزایش تولید"، میاورند که در نتیجه آنها را تا حدیک "انجمن خیریه" که برای مردم جنگ زده کمک جمع آوری میکنند، نثرل میدهد. "راه کارگر" اگر چه برای "افزایش تولید" شرط و شروطی میگذارد، اما ما مآهده بی - باگی این شروط، چیزی جز سیاست رویزیونیستهای "اکثریت" در باره "افزایش تولید"، باقی نمی ماند. و این خود انعکاسی از گرایش رویزیونیستی "راه کارگر" است که عملاً کارگران را در مقابل سرمایه داران خلع سلاح میکند و سازش طبقاتی را تبلیغ مینماید (۲) شعار راه کارگر یک شعار سرمایه داران رویزیونیستی است. "راه کارگر" خودا اعتراف میکند که جنگ کنونی در شرایطی "صورت میگیرد که بی اعتمادی زیادی به حاکمیت فعلی وجود دارد. نمونه های زیادی وجود دارد که ثابت میکند حتی عقب مانده ترین کارگران ساجان و دل در راه "میین سرمایه داران" ساز زده نخواهند کرد." (همانجا) ولی بدنبال آن میافزاید: "... به همین دلیل مفهوم جنگ میهنی (بخوان جنگ ارتجاعی - سیکاری) برای آنها با دشواری میسر شده." آری کارگران و زحمتکشان میهنمان روز بروز بیشتر به ما هیئت رژیم جمهوری اسلامی می برسند. آنها سارها و بارها دیده اند که چگونه هنگام در گیری با سرمایه داران و مطالبه خواستهای سه حقان از آنها، همواره این با ساداران رژیم بوده اند که به دفاع از سرمایه داران برخاسته اند و مبارزات کارگران را سرکوب نموده اند. بینا - براین طبیعی است که کارگران بدآسانی فریب تبلیغات سرمایه داران و رژیم حاکمان را نخواهند خورد و به دفاع از "میهن سرمایه داران" بر نخواهند خاست. به همین دلیل است که سرمایه داران و رویزیونیستهای خائنین با انواع و اقسام حیلها، از قبیل سوء استفاده از احساسات وطن پرستانه توده ها و تطهیر رژیم

(۲) - لازم به تذکر است که مارتقایی "راه کارگر" را همطرازا رویزیونیستهای "اکثریت" نمیدانیم این رفقا جز وسخت نا سیکبر جنبش کمونیستی هستند. در صورتیکه رویزیونیستها خائنین به طبقه کارگرند.

بقیه در صفحه ۷

بهره برداری عوام فریبانه رژیم جمهوری اسلامی از جنگ غیر عادلانه کنونی را افشا کنیم!

جنگ بسود خلقهای ایران و عراقی نما مستود ، با سه ، سن از مقدمه چینی هائی که بدرستی اسن معیوم را میرساند که اسن جنگ بسود خلقهای دو کسور نیست ، نا کچان با سخی منفا دبا آسهمه مقدمه چینی میدهند ، آنها کرچه در حای دیگر از همان بیانه نلو سحا جنگ را سر علیه خلقهای دو کسور اعلام کرده اند :

"جنگ ایران و عراقی (امکانات و مقدرات مختلف دو کسور را هر چه بیشتر تحلیل برده و موجب سادمانی هر چه بیشتر میهنونیم و میربا - لیسیم حیا نخواهیم کرد . (بیانه ...)) اما در نقل قول بالاتر می بینیم بجای با سخ صریح به سئوال اسن ، گوئی که از این همه "جسارت" خود را به بورژوازی حاکم ترسیده باشند و از اسن سئوال "مذموم و کفر آلود" به خود آمده سیکبار ره با سخی میدهند که نه ارتباطی با مقدمه - چینی های سسسن اینان دارد و نه با مصالح انقلاب ایران !

ما از مجاهدین سوال میکنیم ، اگر این جنگ قوای دو کسور را تحلیل برده و بسودا میربا لیسیم و صهیونسیم است و برخلاف منافع خلقهای دو کسور ، چرا در آن شرکت میجویند ؟

معبار مجاهدین برای عادلانه بودن یک جنگ چیست ؟ آیا از دیدگاه مجاهدین اگر یک جنگ برخلاف منافع خلقها باشد ، باز هم عادلانه است ؟ اگر آنطور که است ؟ اگر یک جنگ تنها بسودا میربا لیسیم و صهیونسیم باشد باز هم عادلانه است ؟ اگر آنطور که خود مجاهدین ذکر میکنند این جنگ توده ها را از صحنه اصلی نبرد با صهیونسیم و میربا لیسیم دور میکند ، آیا باز هم میتوان آن را جنگی انقلابی دانست ؟ تراژدی تحلیلیهای مجاهدین و تزلزل ذاتی آنان در مقابل انقلاب در همسن جان نرفته است ، آنان متعلق به اقصاری از جامعه سست هستند که کرچه زیر سلطه میربا لیسیم قرار دارند ، اما بطلت نای بند بودن به مالکیت کوچک و وسائل تولیدشان از یکسو محکوم به ماندن در صفا انقلابی و از سوی دیگر از نرسد قاطع س بورژوازی و ارتجاع نیز متعلق میبورزند ، مالکیت خصوصی زنجیرگرانی برای خرده بورژوازی است (۳) و چنین است که از قاطعیت تحلیلیهای آنها جلو گرفته ، نظراتی دودلانه و مردد و متزلزلانه را به بیس میاورد ، ما وجود سکه چنین است و لسی آنحان نیز هست " ، "علیرغم این مسئله ، باید بدنال آن مسئله افتاد ... " ، "علیرغم اینکه این جنگ بسود خلقهای دو کسور نیست ، ولی ، ما ... خوب ... البته با بدر آن شرکت کرد " ، "چرا بایستی در جنگی که بسودا میربا لیسیم و برخلاف

منافع خلقهای دو کسور است شرکت کرد ؟ مجاهدین در اینجا از حرکت ارمال ح انقلاب چشم پوشیده ، سحای عزیمت ارمال ح خلقهای دو کسور مسئله دفع تجاوز و دفاع از میهن را بسس میکنند و این با سخ دبرینه و کینسال همه گمانی است که بسه صم توده ها خاک می باشند و ساری سرما به داران می شتابند :

"دشمن به میهن من تجاوز کرده و ما باید از میهن خود دفاع کنیم" .

محبوب نمیشوند ؟! از دیدگاه انقلابیون ادعاهای طرفین در جنگ اهمیتی ندارد ، شروع کنند چه جنگ نیز چه کسی بوده است ، مهم نیست ، مهم منافع خلقهای دو کسور است ، و این همان چیزی است که مجاهدین آن را از نظر دور داشته اند .

جسم داشت از بورژوازی (محافظة کاری در برابر ارتجاع)

ما از مجاهدین سوال میکنیم ، اگر این جنگ قوای دو کسور را تحلیل برده و بسودا میربا لیسیم و صهیونسیم است و برخلاف منافع خلقهای دو کسور ، چرا در آن شرکت میجویند ؟

بر خلاف منافع خلقها باشد ، باز هم عادلانه است ؟ اگر یک جنگ تنها بسودا میربا لیسیم و صهیونسیم باشد ، باز هم عادلانه است ؟ اگر آنطور که خود مجاهدین ذکر میکنند این جنگ توده ها را از صحنه اصلی نبرد با صهیونسیم و میربا لیسیم دور میکند ، آیا باز هم میتوان آن را جنگی انقلابی دانست ؟

طیباتش ، کاملاً از سورژوازی قطع امید کرده است . تزلزل خرده سورژوازی ناشی از آن وجه استراکاتی است که در ارتباط با مالکیت خصوصی با بورژوازی دارد ، اقشار میانی و سایشی خرده بورژوازی که در میهن ما حیران از سوی ارتجاع و میربا لیسیم بمضوف انقلاب رانده میشوند ، هنوزنگاهای به دستهای بورژوازی دارند و استظا رملاطفت و رحمتی !

مجاهدین که در طی این ۲۰ ماه ، همواره در کنار دیگر نیروهای انقلابی مورد تشا جم قرار گرفته اند ، هنوز هم معتقدند که تشا بدر سگوبگران خلقهای ایران و جلادان زحمتکشان ، کمونیستهای و مجاهدین بر سر لطف بیا بند ، هر بار که مجاهدین فهرمانی توسط ارتجاع بخون کشیده میشود ، مجاهدین ملتمانه از قاتلان آنها تقاضای شفاعت میکنند ، آنها هر بار که مورد تشا جم قرار میگیرند ، شروع به نادمه پراکنی برای دادستان کل و رئیس مجلس و فلان وزیر و رئیس جمهور میکنند و عا ملین تشا جم ، سگوب و کشتن را باسه کمک می طلند ، آنان گذسته را اینکه توده ها را می فرسند تا عا ملین اصلی کشتار سگوب را نشنا سدر و زیم با کم را دوست و "شفیع" خود بحساب آورند ، تزلزل خود را در مقابل ارتجاع نیز آسکار کرده ، نسان مدهند که نمبخو اهند به یک خط کشی انقلابی با دشمنان توده ها دست بزنند و خود را هنوز به مزاحم ارتجاع دلگرم میدانند آنان بخاطر همسن تزلزل و محافظه کاری در مقابل ارتجاع است که ما را از دفاع از انقلاب جسم بسوده اند ، فارنا و قلاتان سوخته میشود ، گردسان فهرمان سماران میشود ، سسندج حوس ، سگما سسا مز سرتش خمیا ره در آتش و خون مسورد ، دلاوران کمونیست در سرا سر میهن بخاطر عسی بدر حمتکشان به خون کسده میشوند ، اما اسن ساران با سسگر ، کسکان هم صمی گذر در زم به داسکا حمله میکند و دانشجویان انقلابی را کسا ر میکند ، اما مجاهدین فرا را بر قسرا ر

حده طمانی این جنگها را رهبری میکنند مهم نیست ، چه ساستی در این جنگها دنبال مسود مهم نیست ، اینکه این جنگها بر علیه خلقهای کسورهای درگیر در جنگ و بسودا میربا لیسیم و ارتجاع است ، مهم نیست . مهم آن روحیه شوینسیم بورژوازی است که خرده بورژوازی را بدنال خویش میکشد و ملعبه منافع ارتجاع حاکم میکند بر آستی معیار مجاهدین چیست ؟ دفاع از منافع خلقها ! بس چرا شرکت در جنگی بر علیه خلقهای دو کسور را نبلغ میکنند ؟ شرکت در جنگ از دیدگاه ریزیونیستهای خا شنی که جمهوری اسلامی را در خطر دیده و برای حفظ این رژیم ، خون با سدا روفدائی (اکثریت) را در هم میا میزند ، سستما تیزه و منسخی است :

"سورژوازی حاکم در خطرات ، بیا رییس سستا سیم و چون "ارتجاع حاکم" انقلابی است دفاع از آن بشفخ خلقهای دو کسور است " . اما مجاهدین که معتقدند این جنگ بسود خلقهای دو کسور نیست ، چگونه شرکت خود را در آن توجیه میکنند ، تنها اینکه عراق تجاوز کرده است ؟ اینکه معیاری انقلابی نیست ، بس حرکت از منافع خلقها چه میشود ، گذسته از آن مگبر هوا بیما های ایرانی به کسور عراق تجاوز کرده است مگر همچنانکه ارتش ضد خلقی عراق ، خلقهای ایران را کشتار میکند ، ارتش ایران و سماران - های مناطق مسکونی و اقتصادی عراق سسز کشتار و فلاکت برای زحمتکشان عراقی سارمان صاورد ؟ نادمه مجاهدین سگوبند عراق اول حمله کرد ، این با سخی است عوام فرسانه ، چرا که نقطه عزیمت خود را نه منافع خلقهای دو کسور و نه بر طبقات حاکم بر این کسورها و نه سراساسیهای آنان قرار میدهد ، هم دولت عراق و هم دولت ایران یکدیگر را به شروع تجاوز متهم میکنند ، ررم ضد خلقی عراق علت شروع جنگ را "سندور انقلاب اسلامی" ، حمایت از نیروهای جوع حرب - الدعوه و دخالت در امور داخلی عراق عنوان کرده است ، آنها سباز دیدگاه مجاهدین تجاوز

نرجح میدهند و همواره در طی این مدت سوراخ به سوراخ مدتی برای حضرات جلاد حلقه‌های ایران بشغول میشوند و جسم به بالا میدوزند و تکانهای دورن ارتجاع امدوار شده و دفاع از حشی از ارتجاع (لسرانیها) در مقابل بخش دیگری بردارند... شماره‌های 'مجا هدی' را میگیرید، برای از استغناء و استغناء از جان کسان در قدرت است و نیز سکوت در مقابل اکثر حنا بیست و رزم بر علیه کمونیستها، کارگران، زحمتکشان و خلقهای فیران ایران، آنان در مورد مسئله جنگ نیز با رد بگوشه سیاست استغناء و استغناء از سواست راه برده و مانند صحنی غرور و دفاع رزم جمهوری اسلامی را به آنان با آذ ورمسود و میگوید:

"بدیهی است که مسئولی حکومتی نمی‌تواند بی‌بستگی با بیرون هر نوع تنگ نظری و انحمارطلبی و خاتمه دادن به تمام مبروت‌های درونی، زمینه شرکت فعال کلبه‌ی سروهای مردمی را در یک مقابله همدم - حاشیه علیه تجار و عمارق و دفاع از مصلحت مردم فرا هم کنند چرا که دفاع از تمام مصلحت ارضی کشور و مقاومت در برابر ارتجاع و زسلطه طلبان نه خارجی امری است که حسی مشروع نماید قسار و مردم! بران است و هرگز نباید در خدمت قدرت طلبی محافل و حریان - های خاص قرار بگیرد که متاسفانه تاکنون قدم مثبتی در این زمینه برداشته نشده است" (بنا شده مجاهدین نقل از فوق العاده مجاهد، ۵ آبان).

ما هست ارتجاعی رژیم چه مسود؟ آیا رژیم سرکوبگر بورژوازی حاکم اساسا مسود در میسده اتحاد مردم را ایجاد کند؟ آیا رژیمی که مسود مردمی نیست میتواند در راه مردم مبارزه کند؟ مجاهدین بدایین سئوالات کاری ندارند، آنها بسیاری مواقع بدرنگ آمیزی هات حاکمه برداخته اند و این بار اولشان نیست، در همان هنگام که هوادارانسان توسط ساداران اسیر شده و با به نیت میسر شده، مجاهدین حرکیهای نیم وقت خود (سلیبشیا) را سماع وقت در خدمت ساداران قرار دادند و بدینجا با تاین آرکان فدردمی دست بریرا دگفتند، امروز نشین مجاهدین به همه توده های هوادار خود فرمان میدهد که در ارتکانهای رژیم جمهوری اسلامی بدون آرم و شخضات و حرکت از موضع مستقل به جنگ برودارند و تنها خواهشان این است که دست آرزو مردم مجاهدین برای یاری و یاری به رژیم جمهوری اسلامی رد نگردد! چه پاک اگر حشی در همین دوران اعلامیه های مجاهدین نیز ممنوع اعلام میگردد! مجاهدین در ارتباط با مسئله جنگ نیز فقط دانشان از انحمارطلبی بلند است:

حاکمینی در قدرت (حزب جمهوری اسلامی) اینقدر احمق طلب نباید، صندلی قدرت کسده خیلی بزرگ است، کمی آنطرفتر بنشینید، ما هم

کنارشان حاکم بریم، چرا همه قدرت را برای خود بردارند... مجاهدین با بدیدانند ما فاع طبقاتی رژیم با منافع آنان منظور عمده در دفاع است و بدین ترتیب اتحاد نیروهای مانند مجاهدین با رژیم کنونی امری عبید است (مگر آنکه مجاهدین از منافع اسفلاط صرف نظر کنند) دعوت به اتحاد با رژیم کنونی حزی جز فراموش کردن مصالح انقلاب ایران نیست.

ارزش بسیار بیشتری از مبارزان کردستان و با گذشته سدن هزاران نفر در جنگ غیر عادلانه کسوفی و فلاکت و آوارگی توده ها دارد و اینهم جدا از بایگه طبقاتی مجاهدین نیست (۴).
خرده بورژوازی تا زمانی که ما لکبیست خصوصی حفیرس در خطر قرار نگرفته است، بجهنم که کارگران کشته و سرکوب میشوند! اما وقتی ما سرمایه بعه و راهم گرفت، آن موقع داداس

✳ مجاهدین خلق بر این واقعیت آشکار که جنگ کنونی جنگی غیر عادلانه میان دود و لکبیست ارتجاعی است پرد می کنند. آنها تحت عنوان "دفع تجاوز و آزادی مردم" توده ها را به شرکت در این جنگ ارتجاعی فرا میخوانند تا گوشت دم توپ سرمایه داران د و کسور شوند.
✳ آنها در مقابل بسیاری از مسائل انقلاب سکوت میکنند. اما حمله به خود را مجاز نمی دانند. انگار فلان حرف فلان مرتجع در مورد مجاهدین ارزش بسیار بیشتری از مبارزان کردستان و با کشته شدن هزاران نفر در جنگ غیر عادلانه کنونی و فلاکت و آوارگی توده ها دارد و اینهم جدا از بایگه طبقاتی مجاهدین نیست.

ثالثا، حرکت از خود و دنباله روی از توده ها برای فریب آنان

گذشته از محوای بسا نیکه تزلزل در مقابل انقلاب را خوبی نشان میدهد، شیوه برخورد مجاهدین نسبت به جنگ نیز، مانند همیشه شیوه ای عوامعربانه، مطلوب نمایانده و دفاع از خود به جای دفاع از منافع حشش است.

مجاهدین که در مقابل توهم توده ها نسبت به آنت الله حشینی و رژیم جمهوری اسلامی، بسیاری مواقع بدسیال توده ها اقتدا دارند، تا با شیبه نظرات عقب مانده حشی از توده ها، آنان را بسوی خود جلب کنند، در مورد جنگ نیز بدینال روحیه "دفاع طلبی" توده ها که سراسر معالست آنها هگرا به انقلابی معنوان آن را ضرور سخت اقتدا دارند، آنان برای جذب توده ها از طریق عوامعربانه، شروع به مظلوم سازی کرده و در موی العاده هم آنان مجاهدین را بر ما ورتند که "ما در جنگ شرکت داریم، میخود بد ما تهمت عدم شرکت نزدیک، آنها جای افتش گیری حنا یات دور رژیم بران و عرای، فلاکت و بدخشی بوده ها، وضعیت آوارگان و دفاع از کسور اسفلاط بر علیه رژیمهای حاکم و... صحاب بسیاری را فقط به این اختصاص داده اند که در هوادار در فلانجا، با ۵۰ هوادار در جای دیگر به سبها ساداران برای گرفتن اهل حدر حوع کردند، اما ساج رد نشیدند و سوزواری دست رد بدسینه این حاشان متزلزل انقلاب زد! این شیوه و سیز هواداران متزلزل انقلاب زد! این شیوه همیگی مجاهدین است، آنها در مقابل جنابات رژیم در مورد کارگران، زحمتکشان و خلقها سکوت میکنند، اما وای بروزی که حرفی در مسود مجاهدین زده شود، دهها خشمه و اعلامیه و صدها صلیبشیا مجاهدین آمده اند و دمقوا در دست بگیرند و ثابت کنند که رجوی ساواکی نبوده است آنها در مقابل بسیاری از مسائل انقلاب سکوت میکنند، اما حمله به خود را مجاز نمی دانند. انگار فلان حرف فلان مرتجع در مورد مجاهدین

سرمیاید، برای مجاهدین هم جایات رژیم است و روسکوب بوده ها در کارخانه ها، مزارع، کردستان، ترکمن صحرا، دانشگاه و... مهم نیست. کافی است رژیم حرفی به مجاهدین سزد و منسلا بشوید مجاهدین در جنگ نیستند تا دهها ضمیمه و اعلامیه بیخش شود. مجاهدین دفاع از خود را بر دفاع از زحمتکشان و اسفلاط رحمان میدهند، هنا نظور که خرده بورژوازی خود را ما ورا طبقات و محور عا لم وجود میندازد.

مجاهدین باید اقتدا کنند در راه انقلاب نه از ساداران کشتی برای مرتجعین و سه ریختن خاک در چشم توده های برای ندیدن ماهیت رژیم، بلکه از دفاع از منافع زحمتکشان انسانی ارتجاع و مقابل به سبها بورژوازی حاکم میگردد، حتی اگر مجاهدین هم سخوا هند، واقعت حشش مبارزه طبقاتی آنان را با همه تزلزلات و آشکارا بیخشان ما ما میکه سخوا هند در صف انقلاب بجا شد، بدیدن این حاشی و ادا رخوا هند کرد.

(۴) - اسبابه نمود ما مبارزه در راه حفا نیست سکلات انقلابی و دفاع از خود را هنگام میورن ارتجاع و اشاکری در این ربه هارده نمیکنیم اما دفاع از سکلات انقلابی جزئی کوچک از مسازات ما را در حیت افتنا و مقابل به سبها ارتجاع تشکیل میدهد، اسکال اصلی مجاهدین در اینجا است که آنان بسوی و بسوی از آنکه به مسائل اساسی انقلاب ایران توجه داشته و دفاع از زحمتکشان و اسفلاط سردار زد، به مسائل از زاویه و بدنه سکلات خود نگاه میکنند و نسبت به جنش کارگران، دهقانان، زحمتکشان، خلقها، نیروهای کمونسست که در مورد سوزن ارتجاع و امربا لبسم قرار میگیرند، بسیاری مواقع ساکت می نشینند، مگر آنکه در یک مورد، خود آنان نیز مورد هجوم واقع شده باشند، آنان خود را ما ورا منافع انقلاب قرار میدهند.

(۵) - چه بسا مجاهدین، عدم انشای ارتجاع و دفاع قاطع از انقلاب و حمایت بخشهای از ارتجاع

در شهری که ضد انقلاب حکومت می کند قطب زاده مبارز گهنه کار از آب در می آید!

مبارزه بر سر قدرت بین لیبرالها و حزب جمهوری اسلامی در اوچگیری فزاینده خود به بخش مناظره تلویزیونی قطب زاده و مبلغی - اسلامی در تلویزیون کشید. قطب زاده دستگیر شد و این بیانه ای بد برای لیبرالها و بویژه قطب زاده که "آبی برای" روی "خود دست و پا کنند. در باره قطب زاده که عملگردهای و قیامه و لگدندان زنها بی طی دوسال گذشته، حتی بسیاری از طرفدارانش را منجر کرده - بود، مقالات زیادی نوشته شد.

بزرگان او را "مبارز گهنه کار" نامید و سردیرکبیا ن شهری ارواحانی در باره فضا تل نداشت قطب زاده مدیحه سرائی ها نمود، لیبرالها که مدت ها بدگوش خوابانده بودند فرصت طلبان نه سر برداشتند و به بهانه دستگیری قطب زاده برای لگد مال شدن "آزادی" نوحه سردا دادند و آشوب گامح ریختند. البته اینگونه زندانیهای رژیم جمهوری اسلامی دیگر برای پذیرفتن و انباشتن کسوف نیستها و مجاهدین و رزمندگان خلق کرد و عرب و... را در اردو اینگونه خوخته های اعدا موبیدادگایهای فدا انقلاب هرا مداخلون تا زه طلب میکنند برای آقا بان لیبرالها نظیر بارزگان و امثال او حیضدی نیست، خوب هم هست!

بهر حال قطب زاده را "مبارز گهنه کار" نامیده اند. بسینیم مخالفتی او با حکومت سا هوقعاً لسیهای او در خارج کشور از موضع انقلابی بوده است یا لیبرالی؟ یا بنفیع زحمتگشان ایران بوده است یا در راه با خط - مئی لیبرالهای آمریکائی و اروپائی؟ قطب زاده در اواسط سالهای ۴۰ در آمریکا دانشجوی بوده و در اتحادیه دانشجویان ایرانی مقیم آمریکا فعالیت میکرد. فعالیتهای افشاگرانه دانشجویان علیه شاه شاهان بشکل نظارات و تحصن و... صورت میگرفت. قطب زاده همرا با سیف پورنامی که هم اکنون گروهی لیبرالی بنام "گروه سیاسی ایران امروز" را دارد در ساختمانهای وابسته به ملل متحداً عصاب غذا کردند و رژیم شاه را سیورت آندورا لگوکرد. رژیم سوریه و مصر بخاطر اختلافاتی که با شاه داشتند اعلام کردند که آندودا نسجورا بعنوان شهروندان تبعه خود می پذیرند. و قطب زاده از آن زمان تا سال ۵۷ با سیورت سوریه ای در خارج زندگی میکرد.

خوب، او دانشجوی "مارزی" است. اما بنظر شما بطور می شود که او در همان سالهاستنباط میکند که کشف در اسجون دانشجویان ایرانی به یک "اتحادیه بین المللی دانشجویان" (U.S.A) که مستقیماً بوسیله "سیا" حمایت و تامین میشود سپوندد؟ و مگر خراج او از کشف در اسجون توسط دانشجویان مبارز ایرانی س از طرح جنسن پینشها دهائی از طرف او نبود؟

قطب زاده از آغاز یک لیبرال بوده و هست. لیبرالی که همیما نی طبقاً تیش با لیبرالهای آمریکائی و در واقع با امیرالیم آمریکا است

آیا عجب می نماید که او در مصاحبه با محله تایم یکی دو هفته پیش از طرح مساله گروگان نهدر مجلس شورا، افتخار میکند که او اولین کسی است که رسماً برای حل مساله گروگانها به مجلس نامه نوشته است؟ سردیرکبیا ن در مدیحه سرائی خود به نفع قطب زاده از سفرا و به مرموزمان عبدالنا سرودیدن دوره آموزش جرکی سخن میگوید. آری، او با جرمان ویزدی و چند نفر دیگر سن هوس ما حراجویا ندر هم کردند، ولی اگر انقلابی بودند آیا کوچکترین قدمی در راه ایجاد یک سازمان انقلابی در داخل کشور نمودند؟ و آیا هیچ حمایت مجدداً و صادقانه ای از مبارزین داخل کشور بعمل آوردند؟ آیا آنچه (بنام حمایت از مبارزین داخل و بخصوص مجاهدین خلق کردند) جز به قصد سوءاستفاده از نام مجاهدین و جز در راه معرفی مجاهدین در همان قالب لیبرال - مذهبی مورد نظرشان بود؟ آری آقائی قطب زاده "مبارز گهنه کار" است. اما "مبارزی" لیسرال و کنار کودنشین، "مبارزی" در آب و هوای خوس یا ریس و سواحل نیس قرائش

اگر مبارز بودن را معادل از خود مایه گذاردن و فداکاری در راه خلق و توده های زحمتکش بدانیم، باید پرسید، آقائی قطب زاده و امثالش دکتربزیدی و جرمان و سنی صدر چه چیز از دست دادند؟ آنها سالها در خارج گوش خوابانده بودند که در بیخته بخورد و آنها بروج سوار شوند و چنین شد. آیا بورژوازی جز بقیمت سوء - استفاده از مبارزات خلقها و فداکاریهای آنان برای ریکه قدرت تکبیه میزند؟ پیپوده نیست که آقائی سنی صدر از سالها پیش خود را اولیسین رئیس جمهوری ایران تصور میکرد و قطب زاده و جرمان و نیز جلال الدین فارسی خواب رهبری جنبش را میدیدند. لیبرالها میگویند، قطب زاده مبارز گهنه کار "است ولی مردم از لیبرالهای که قسله شان آمریکا است می سرسند که مزیست قطب زاده و او را تقدیر مورد توجه "سیا" و "حقوق بشر" کارتر قرار داده بود که در میانه ۵۵ و در حالی که در داخل کشور، لیبرالها به ارسال نامه های کدائی به شاه پرداخته بودند در یکا تمام مور با سا بقه سیا در مصاحبه ای با مجله "نودل" او بزر - و اشور "جاب باربیس شایعه کوشش سیا برای ترور قطب زاده را بر سر زبانه انداخت؟ و چرا عمل شناخته شده امیرالیمجهائی که امروز بنام "بین الملل سوسیالیست" معروف اند کتفرانسی برای باصطلاح افشای دیکتاتوری شاه تشکیل دادند و از آقائی قطب زاده هم دعوت

رسمی بعمل آورند و او را بعنوان یک مبارز سرشناس ایرانی به محافل امیرالیمستی معرفی نمودند؟ آیا فکر میکردند برای چنین روزهای بدرسان میخورد؟ همینجا بد نیست به رویونیست های حزب توده شاه رهنه کنیم که در همان کتفرانس همرا با آقائی قطب زاده "هیات شما بیندگی ایران" را تشکیل میدادند و آرزوی دمکراسی سلطنتی شاه را می نمودند.

مردم ما می پرسند تا س نزدیک آقائی قطب زاده ویزدی با پروفور حرا مدالگار ما سور سیا که در لیس محقق اسلامی و مترجم آثار شیعی به ایران آمد و با "امام" هم مصاحبه کرد و گفت که دارد کتانی در شرح احوال آیت الله خمینی می نویسد برای چه بوده است؟ (رجوع کنید به بیگانه ۴۱ مورخه ۱۵ سمن ۵۸).

قطب زاده که دارای روابط نزدیکی با موسی صدر بود از طریق او با لیبرالهای آمریکائی خاورمیانه نیز سرورسی داشت و در یکی از سفرها این به لبنان در سال ۵۵ مورد استقبالی کسانیکه قرار گرفت که در راه باستکی به امیرالیم آمریکا در لبنان معروف اند. "جرج ابوعضل" سرمایه دار وابسته لبنان و صاحب مجله "الاسبوع - لعربی" در باره او در صفحه اول مجله اش شرحی نوشت و عکس او را بعنوان یک "مبارز علیه شاه که در باره ریس زندگی میکند" چاپ کرد. در آن مجلس که لابید قطب زاده در باره مبارزانش داد سخن داده یک لیبرال آمریکائی دیگر هم بنا مدکتسر کلوفیس مقصود (نماینده لبنان در یونسکو) به عنوان دوست قدیمی قطب زاده حضور داشته است چشمها و مغزهای آشکاروشان امیرالیم بسا بازی لیبرالینمائی و حقوق بشرشان از آنروزها چه میدهائی به قطب زاده داشته اند؟

آیا اینک آیت الله خمینی بوسیله اینگونه لیبرالهای "بیرومند" درباری احاطه شده بود و بی صدر ویزدی و قطب زاده، میزبان و همپاندر همه کاره "امام" بودند، با موضوعی که دولت فرانسه گرفت و در کتفرانس گوادلوپ آمریکا شیها بر سه پیشنها دفرا نسه برای انتقال مسالمت آمیز قدرت از شاه به آیت الله خمینی به توافق رسیدند و از ارتش خواستند که خود را "تسلیم انقلاب اسلامی" کنند عجیب مینماید؟ و آیا تعجبی دارد که قطب زاده حتی در همین مناظره تلویزیونیش تا نا حتی شدید خویش را از ریختن مردم به پا دگانهای ارتشی و اقتصاد ن سلاح بدست توده ها در جریان قیام ۲۲ بهممن ابراز میدارد؟ مگر نه این است که امیرالیم



توطئه و خرابکاری بعثی‌ها علیه جنبش‌های انقلابی خلفهای منطقه

از زمانیکه بعضی‌ها در عراق قدرت را بدست گرفتند (۱۹۶۸) نه خلقهای عراق از توطئه‌ها و جنایات آنان در امان نبوده‌اند و دیگر خلقهای منطقه از شر دخالتهای توطئه‌گران و کودتاگران آنان بدور مانده‌اند. بعثی‌ها برای پیشبرد مقاصد خلقی‌شان به هر سو دست دراز می‌کنند، دانه می‌سازند، مزدور می‌گیرند و هر سوله‌ای را - هر اندازه هم که جنایتکارانه باشد - در راه تحقق هدفهای خویش بکار می‌گیرند، نگاه می‌کنند، روزیم بعثی عراق با جنبشهای رهاشی بخش خلقهای منطقه‌شان مددکده‌شان روابط علیرغم اومانی‌مانند "رادرانه"، "انقلابی"، "حمات - گرانه" و "ممیما" تا حد جبریکرا - جنبش‌ها ضربات دردناک وارد آورده است :

کوشش عراق برای خردن یک گروه از بوزنیون عمانی، در نتیجه هشیاری جبهه خلق عمان به نتیجه نرسید و سازشکاران خودفروش منسوی کردند.

در رابطه با جنبش آزادبخش اربیره :

دولت بعثی عراق با ارائه کمکهای ناچیز که همواره با سروصدای فراوان همراه بوده است سعی در زیر نفوذ قرار دادن هر دو سازمان عمده این جنبش رهاشی بخش نموده است. بعثی‌ها بارها کوشیده‌اند از طریق تطمیع برخی از اربیره‌ای‌ها را بسوی خود جلب کرده و با ارسال آنها به داخل مناطق آزاد شده و شرکت در انتخابات کنکره‌ها در مدارهای مسئولیت فرار گیرند. این امر با هشیاری مبارزان اربیره‌ای خنثی شده و طرفداران عراق نتوانستند ادعای خود را بکنند.

شعبه‌های حزب بعث :

دولت بعثی عراق در کشورهای عربی شعبه‌های حزب بعث طرفدار خود را با صرف هزینه‌های سنگین دایر می‌کنند تا بفتح اوجا سوسی کنند و جنبش مترقیانه توده‌ای در این کشورها را حتی الامکان از مسیر خود منحرف کرده و منع بعثی‌های عراق بکنند. هم‌اکنون دولت عراق در بحرین، یمن شمالی و لیبی، شعبه‌های رسمی حزب بعث را دایر کرده و در جاهای دیگر هم که ممنوع است باز می‌گشود این لانه‌های جاسوسی مشغول است. برای نمونه یمن جنوبی تا کنون چند بار رشک‌ها سوسان بعثی را کشف کرده و آنان را دستگیر و به زندان انداخته است.

در رابطه با مبارزه توده‌های ایران علیه رژیم شاه :

طی ۱۲ سال که از حاکمیت بعث در عراق می‌گذرد مبارزه توده‌های ایران از مراحل مختلفی گذشته است و برخورد رژیم عراق با این مبارزات همواره ماهیتی فرصت طلبانه، معاظه‌گرایانه و اساساً ضد انقلابی داشته است. وقتی روابط با رژیم شاه خوب بود مددست‌ها شاه به سرکوب نیروهای انقلابی ایرانی پرداخته

عرب مرکب از سرخی از نظامیان عراقی و فلسطینی‌های هوادار بعث ساکن عراق به راه انداختند. این با صلاح جبهه (که نیروی بسیار اندکی دارد) صرفاً با حمایت و فشار سیاسی و نظامی عراق، در سواری ملی فلسطین و نیز در هرات احراشی سازمان آزادبخش فلسطین راه یافته است و وظیفه آن جز جاسوسی و بیابانگردن نظرات عراق در درون جنبش فلسطین نیست کار این گروه دست‌نشانده که خود را "جبهه آزادبخش عرب" مینامند، هیچگونه ربطی به مبارزه داخلی سازمانهای اشغالی ندارد، بلکه به درگیری با مخالفان سیاست عراق و سرکوب انقلابیون فلسطینی و جز آنها در لیبی محدود می‌شود.

رژیم عراق همواره کوشیده است با تطمیع و شهیدید، سازمانهای فلسطینی را تحت نفوذ خود در آورده و اگر نتواند عراقی‌ها را از طریق اعطای کمکهای مادی و معنوی بصورت عامل خود در آورد، تا آن سازمانها را از درون متلاشی کند. هم‌اکنون رابطه رژیم عراق با "الفتح" و "جبهه خلق برای آزادی فلسطین" که میهمین سازمانهای فلسطینی هستند کاملاً تیره است.

از سوی دیگر هم‌اکنون در یمن که در سال ۱۹۶۸ در دستا مرسبها سال ۱۹۷۰ و عدم حمایت از انقلاب در برابر ارتش ملک حسن در اردن به گذرانندها هزارتن از مردم فلسطین کمک نمود، نمونه دیگر از رفتار عراق با انقلاب فلسطین دست زدن به یک سلسله اعمال تروریستی علیه رهبران و مسئولین مقاومت فلسطین است که منجر به قتل چندین نفر از مبارزان فلسطینی گردیده است.

در رابطه با جنبش رهایی بخش خلق عمان :

عراقها کوشیدند با دادن کمکهای مالی آنها را تحت نفوذ خود در آورند، ولی وقتی آنها سعی در حفظ استقلال عمل خویش کردند و موقعیت سیاسی منطقه برای ایجاد رابطه با قاپوس فراهم گشت، عراق علیرغم همه سعاهای با صلاح ضد امریالیستی و انقلابی با مسقط رابطه دیپلماتیک برقرار کرد و حمایت خود را از جبهه آزادبخش عمان با حذر مادی گاست. همچنین

در رابطه با جنبش انقلابی خلق فلسطین :

بعثی‌ها ادعا می‌کنند که "از لحظه‌ای که حزب بعث تشکیل شده و در طول تاریخ مبارزاتی آن، همواره مسئله فلسطین بشما به مساله مرکزی حزب مورد توجه بوده و حزب این مساله را عمیقاً در پیوندی همه جانبه با مبارزه خلق عرب در راه نیل به آزادی، وحدت و سوسیالیسم تلقی کرده است" (۱).

کسی که اسامی ادعای را مسنودا گرانندگی بی‌ماهیت و عملگردهایی هانست به مساله فلسطین آشنا شد تنها یک چیز در ذهنش تداعی می‌شود و آن نوع دروغهای کوبلزی است که می‌گوید "دروغ را حجتان با بدسزرگ گفت که نشنوده‌ام خپال هم بسزد که کسی حرات با فتن جنبش دروغی را دارا دونا گزیر با ورش کند!" مساله فلسطین سرای خلقهای عرب و منطقه خلق عراق مساله‌ای محوری و آرمانی است و هیچ دولتی بدون ادعای حمایت از آن نمی‌تواند از مردم خود "کواهی حسن اخلاق" بگیری یعنی با با صلاح حمایت از خلق فلسطین خود را "مترقی" جا می‌زنند و تا بهتر نتوانند توده‌های زحمتکش عراق را سرکوب کنند و هر فریاد اعتراضی را سرخاسته از خلقوم را شل معرفی کنند. خلق فلسطین از این رهگذر بسیار موردتجاوز، موردعامله، سوءاستفاده بعثیها ترا گرفته است.

از ۱۹۶۴ بعد که سازمان آزادبخش فلسطین و نیروهای نظامی کلاسیک آن (سنام ارتش آزادی - بخش) تشکیل شد، قسمتی از آن نیرو که لشکر قادیسنا مده می‌شود در عراق بود و آموزش میداد بعضی‌ها وجود این لشکر و وسایلهای برای وارد آوردن فشار سیاسی بر سازمان آزادبخش فلسطین قرار دادند و وقتی دست‌نهادی انقلاب فلسطین زیر اینگونه اعمال فشارها نرسد سازمانی وابسته به خود را بنام "جبهه آزادبخش

(۱) - گزارش صدام حسین به هشتمین کنگره حزب بعث، بغداد ۱۹۷۵.

تجاوزات فاشیستی عراق به خلقهای ایران و مبارزان مردم عراق توسط رژیم جمهوری اسلامی را محکوم می‌کنیم!

و آنگاه که روابط نبره بوده و درگیری وجود داشته است میگویند حمایت فرصت طلبانه خود از مبارزات مردم ایران بعنوان برگ برنده‌ای در مذاکره و جان زدن با رژیم شاه استناد کند .

از سال ۱۳۴۸ تا اسفند ۵۳ که اختلافات بین ایران و عراق گاه به گاه خود رسید بسیاری از عناصر و نیروهای مبارز ایرانی سه عراقی رفتند تا از آنجا علیه رژیم شاه به یک سلسله فعالیت‌های تبلیغی و سیاسی و آموزشی نظامی سردارزاند . این خواست مبارزین ایرانی بود ، ولی دولت عراق در کنار قرارداد ان برخی امکانات جزئی قصد واقعی کمک به مبارزه مردم ایران را نداشت بلکه به در دست داشتن برکهای برنده بیشتر در مقابل ایران می اندینید ، این است که به خائنانی همچون تیمور بختیار فرما ندر نظامی سابق تهران (از کودنای ۲۸ مرداد تا سال ۳۷) نیز بنا هندیکی سیاسی داد و امکانات بسیار زیادی در اختیارش گذاشت ، صدام حسین در پاسخ به اعتراض نیروهای مبارز ایرانی در این باره گفته بود : " ما از بختیار بعنوان یک استنفاده میکنیم " ، برای اوداشتن اسب مهم بود نه سرنوشت مبارزه مردم ایران ، هما نظرگر که می بینیم امروز خائنان نه به او بیسی و شاپور - بختیار سنا ه و کمک میدهد و رادیوی دولتی بغداد با مزخرفاتی که می بیاکنند ذهن توده های نا آگاه را مسموم مینماید ، بعضی ها در برابر بیک موضع شائبه آمیز نفع نیروهای مبارز ایرانی از آنها انتظار حماست متقابل داشتند ، ولی نیروهای انقلابی ایرانی هیچگونه امتیازی بدیعنی هان ندادند .

بعضی ها وقتی بای میز مذاکره با شاه نشستند ، به آسانی همه سعاریها با مصلحت مترقیانه - شان را بفراموشی سردند ، خیانت به خلق کرد و به خلقهای ایران و همکاری با رژیمهای ارتجاعی منطقه زیر حترس راه علیه خلقهای ستم دیده سیرامون خلیج از دست آوردهای توافقی بود که در ۶ مارس ۱۹۷۵ (اسفند ۵۳) در الجزایر سین ساه و صدام حسین به امضاء رسد ، اس واقعسی است که برای رژیمهای سوررواری ، بوده ها حکم گویست دم شوب را دارند ، آنها استنفاده میکنند و وقتی با مصلحت خرنان از بل کدس ، بود و سود بل نژدنان هسج است .

اخراج ایرانیان مصمم عراقی که راهها صورت گرفته و آواره گردن حاصوده های که چه بسا یکی دونسل در عراقی زیسته اند و با کنشون چندین بار با آنها مده و وسعاندان به مدها هزار تقریبا لغ میشود یکی دیگر ارا اندامات ضد خلقی رژیم بعثت است .

در رابطه با مبارزات خلقهای ایران:
رژیم عراق با یکد سرشودالها و سمران عنا بیرون صوری خود و روحه ، همواره کوسوده است در مبارزات حق طلبانه خلقهای نخب ستم ایران که از حقوق ملی خوس محروم بوده و هسند نفع

خود اخلال ایجا دکنند ، رژیم عراق با دامن زدن به احساسات شوونیستی با شگال مختلف منحلله رادیو بغداد در صفوف متحد خلقهای ایران شکاف ایجا دکنند ، رژیم می که خود ساقه ای کم نظیر در سرکوب خلق کرده ا رد " طرفدار " کرده های ایران میشود و بدنبال آن " ساه زرکاری " را در کردستان ایران براه می اندارد و در خوزستان با مصلح جبهه های آزادی بخش عربستان و اهواز درست میکنند و با تکیه بر همان عناصر و نیرو - های ارتجاعی که گفتیم در بلوحتان هم جبهه آزادی بخش براه می اندازد ، هر چند بسیاری از این کوششهای توطئه گرانه عراق در نتیجه هوساری توده ها و سروهای آگاه حسی سده ، ولی همبسیا به خراسکاری های کوناگون و منحرف کردن ادهان نا آگاه های خلفیای تحت ستم برداخته اند و حه بسیار رند خوانان مبارزی از این خلفیای که قربانی سیاستهای غلط و خود فروختگی رهبران شان در برابر رژیم عراق شده اند ، دریایان به این نکته مهم در رابطه با خلق کرد و توطئه های جدیدی که رژیم عراق برای آن تدارک دیده است می پردازیم :

رژیم عراق ، در سرکوب خلق کرد (در عراق) تمام شیوه ها را آزموده و در برخی موارد توانسته است عناصر خود فروخته های را نیز با خود همراه

سازد ، تا علیه خلق کرد به توطئه ببرد ا رند نمونه اینگونه همراهی ها و سازش ها را در مورد ملام - مصطفی بارزانی رهبر ارتجاعی کردهای عراقی ، حنندن از رویزیونیستهای کرده که به وزارت در حکومت البکر رسیدند و نیز فردی سنام " علمبرضا " که به معاونت صدام حسین رسید میتوان دسد .

ادامه همین تلافیهای توطئه گرانه بعث در جنبش انقلابی منطقه ، امروزه کردستان ایران هم کسیده است ، خبرهایی حکایت از آن دارد که یعنی های سوا استفاده از مظالم و اقدامات سرکوبگرانه ای که از سوی جمهوری اسلامی علیه خلق کرد اعمال میشود و نیز با توجسه به سازشکاری خائسانه حزب دمکرات میگویند جنس خلق کرد را زیر دغود خود بگیرند ، این خبرها حکایت از روابط خطرناکی بین بعضی های عراق و حزب دمکرات کردستان (ایران) دارد .

ما به خلق قهرمان کرده که صریب دوسال است دوره جدیدی از سرکوب را از سر میگذراند و باید نسبت به سرنوشت خود بسیار رهشیا ربا شد و همراه با دیگر خلقهای ایران ، جمهوری دمکراتیک خلق را به رهبری طبقه کارگر برپا دارد ، نسبت به توطئه های عراق و سازشکاری نیروهای مثل حزب دمکرات هشدار میدهیم .

بقیه از صفحه ۱۳ جنگ...

کشور تحت سلطه با امیربا لسنها و اسفالیگسران نیز جنگی عادلانه ، انقلابی و " طرحی " است ، این جنگ راهکنای انقلاب توده ها بوده و خلقهای تحت سلطه آزادی خود از بردگی را از طریق حنسن جنگی بدست میا و رند ، شرکت طمعه کارگسرو کمونستها در این جنگهای فدا پیرا لسنسی در جهت با من رهبری طبقه کارگر سرتانقلاب و قطع کامل رسدهای امیربا لسنس و سس انجام انقلاب سرولتری امری میرم ، ضروری و حیاتسی است ، جنگهای آزادی بخش خلقهای و بستن ساسم ، کاموچ ، لائوس ، فلسطین و طما سر علیه امیربا لسنیا و بوکران داخلی آنها از حمله جنگهای عادلانه می با سند .

۳- جنگ برای دفاع از زمین سوسالیستی
امیربا لسنیا دشمنان سر بحت طمعه کارگسرو سوسالیسم میا سد و همن خاطر با تمام قوا منکوسدن به کسوری که در آن سوسالیسم سرورسده حمله کرده و آن را نابود سازند ، آنها نه بیپس سوسالیسی یعنی سپن کارکران و رحمتگان نجا و زمیکسند ، سواض است که سدر برابر کسای امیربا لسنیا ، طبقه کارگر حاکم سرگسور سوسالیستی به همراه تمام رحمتگان و خلقهای آن کسورسرای مقابل ما نحصا وزات امیربا لسنیا بدفاع از زمین خود سرحنزند . جنگ سرولسنا و بوده های رحمتکی کنشور سوسالیسی با امیربا لسنیا سرحکی عادلانه و انقلابی است چون کارکران و رحمتگان از انقلاب سوسالیسی ، دسا و ردهای آن وسسسم سحاب حس سوسالیسم دفاع میکنند ، حیا وز و

تجا جم صریبا لسنیا به کسور سوسالیستی در حقیقت تجا وز به انقلابات سرولسنا ریائی سراسر جهان است ، پس حمایت و شرکت فعال در جنبش جنگهای عادلانه و طیفه انقلابی کمونیستهای سراسر جهان است ، جنگ کمیسر سپنی خلقهای نوری سوسالیستی رهبری حزب بلشویک و رفیق استالین علیه فاسیسم هیلری در جنگ جهانی دوم ، جزو همین جنگها بود .



اکنون با توجه به موارد ذکر شده هر آینه جنگ ایران و عراق جنگی عادلانه ، در جهت گسترش انقلاب و آزادی طبقه کارگر و خلقهای سوا ، ما با تمام قوا در آن شرکت میکنیم ، اما این جنگ ما هیتا ارتجاعی ، بر ضد انقلاب ، در جهت اسارت هر چه بیستر طبقه کارگر و خلقهای می باشد ، جنگی است که سرما به داران دو کسور در ادا مه سیاست های خود آغا ز کرده و کارکران و رحمتگان را کوسب دم شوب خود قرار داده و به کشتار آنها سزدا خه اند ، ما جنگهای عادلانه طبقه کارگسرو خلقیای تحت ستم ایران بر علیه بورژوازی خودی و امیربا لسنیا سرتنجانفی نمیکنیم ، بلکه در صورت آما دگی توده ها آن را بامتا به ضرورتسی عاجل برای رها ئی طبقه کارگر و خلقهای ارزیابی میکنیم ، ما در تمام جنگهای عادلانه ، در مبارزات انقلابی هر طبقات استنمار شده و هر خلقهای ستم دیده سر علیه امیربا لسنیا و استنمارگران ستمگر سرتک میکنیم ، هر جنگی که آزادی طبقات و خلقیای ستم دیده را بدنبال داردم و رحما ست



(قسمت دهم)

پیکار: رفیق روحانی، شما در خلال محبتها بمان از دادن کتاب "اما محسن" نوشته مجاهدین خلق، به آیت الله خمینی سخن بمانان آوردید از شما میخواستم توضیحی در باره این کتاب و نظرات آیت الله در باره آن به ما بدهید.

رفیق روحانی: هما نظر که قبلا اشاره کردم، ما در توضیح مواضع سازمان مجاهدین برای آیت الله، علاوه بر توضیحات سفاکی، مدارکی از سازمان و از جمله کتاب "اما محسن" را نیز برای مطالعه در اختیار آیت الله قرار دادیم. این کتاب که حاصل کوشش محادانه و بیگیرانه یکی از جمعهای وابسته به گروه اندولوسوری سازمان در سال ۴۸ بود، با نثری سواستی دارد تا فلسفه و انگیزه پیام "اما محسن" و نقیص تاریخی و احتماعی آن را تحلیل نماید و در این میان نقش عنصر آگاه را در هر شرایط و از جمله شرایط حاضر در فبال رزمیهای ضد خلقی و مقابله با آنها و همچنین وظیفه آگاهها خضی نموده های تحت ستم و استعمار را از کونمانند. این کتاب از آن جهت که مواضع اندولوزیک - ساسی سازمان را به نحو برحسندای نوصح میداد، از آن بعنوان جزوه آموزشی سزاستفاده میداد بین کتاب برای اولس با رصورت بلی کی در سال ۵۱ در سطح جنس منبر سزده کتابت حالاتی بر روی هواداران سازمان مجاهدین بحای گذاشت.

من در اینجا فرصت بر حوردن تحلیل سسی و تفصیلی ندان کتاب را بدارم و حای آنهاست استجا نیست، ولی با حضا را با ما راه کنتم که این کتاب جدا ر نظر مضمون و جدا ر نظر شکل حضم سازی از اندولوزی التقاطی سازمان مجاهدین بود. تحلیل ما را ما ما محسنی از بکموننا طر سز اندولوزی اسلامی و اعتماد به خدا، وحی و ما ماب و ال را ما ماب "و سعبارت دیتر نفی ما سز لسم دبا لکنک بود، و ارسوی دیگرنظارت بر برداشتهای "مادی" ما را راجح و رویدادهای تاریخی و از جمله ما ماب مسام حسن و واقعها سوزاد است. ما را بکوسبروی محرکه تاریخ را که "اراده سز سعالی" و سا میران و اما مان دانسته و از دیگر سوزما رزه طمانی و تودهها را بعنوان نیروی محرکه ما راجح حساب ما وردیم. از بکسو "اما محسن" را بک، عنصر "برگزیده" و منحا سز از دیگران و ارسوی دیگر انسانی "عادی" همچون دیگر افراد طبیی میگردیم. از بکسوز سالت "اما محسن" را سالیسی الهی و آسمانی که اما ما کز بر از اجام آن است و ارسوی دیگر سز سالت وی را سالیسی انسانی و با مطلاع زمینی که اما ما مانگا، و بر کچهای با رزا نملاسس بدان دست ما زده، مورد ارزایی قرار میدادیم و...

هما نظور که ملاحظه میکنید، این حوه دو - کانه و متما دکه در بالا مخط به برخی از آنها اشاره کردم و بی سگ موارد آن سز در این سز

مصاحبه با رفقا حسین روحانی و تراب حق شناس پیرامون تماس با آیت الله خمینی در نجف طی سالهای ۴۹ تا ۵۳

مطرحه در این کتاب وجود داشت که من سعی میکنم محور آنها را ذکر کنم. از جمله نکات مهمی که در باره مطالب این کتاب مورد بحث ما قرار گرفت، چگونگی برخورد با روحانیون مرتجع و وابسته به رژیم شاه بود. مساله از این قرار بود که ما در کتاب "اما محسن" آنجا که به فتوای قبیل اما ما از طرف "شرییح" قاضی القضاة دربارا مویان میرسد، به افشای نقش روحانیون مرتجع در تاریخ و از جمله در عصر خودمان پرداخته و به توده های مردم در باره عزامفریبی و رباباکی آنها و خیانتشان به مردم و خواسته های آنها هندا ر داده بودیم، آیت -

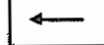
بلکه در تمام آثار و مواضع ما بحشم مسخورد، به بهترین وجه سمان سز ل تقاطی در اندولوزی و تفکر آن روز ما (و امروز مجاهدین) بود، التقاطی که میخواهد میان ماده و خدا، عین و ذه - سمان ما سز لسم و ابدا لسم آشتی سز قرار کند و با عارت کرمین حزی از این و حسی از آن اندولوزی التقاطی ای سز زده که بهر حال حوهر ابدا لستی و غیر علمی را سز همراه خود دارد. علاوه سز این و در راجطها عملگرده من دیدگاه التقاطی، این کتاب در مواردی و از جمله در مورد صلح اما محسن و با استنکاف "مسلم" از کستن "ان زبانه" موضع کا ملا نوجه کار سز ای

ما زهمان روز اول که قدم در راه مبارزه گذاشتیم، انتظاری نیز جز این نداشتیم که تنها از سوی رژیم، بلکه حتی از طرف علما و مجتهدین مرتجع نیز مورد حمله و طعن و لعن قرار بگیریم و این طبیعی است که این دسته از علما و برابرافشاگرهای ماب مخالفت با ما برخیزند، ولی آنچه که اهمیت دارد این است که آیا ما میتوانیم با خطر لعن و تکفیر این حضرات در مقابل خیانت آنها و در غلکا ربهایشان سکوت کنیم و آنها را در برابر مردم رسوا نسازیم؟

الله خمینی نسبت به آوردن این مطالب افشاگرانه علیه روحانیون مرتجع اعتراض داشت و از ما خواست که این قسمت را حذف کنیم، من از آیت الله سوال کردم که آیا این پیشنهاد دشمنان در رابطه با نادرستی این مطالب است و یا اینکه علیرغم مضمون درست آن جنبه ملاحظه کاری و با مطلاع تا کشتکی دارد؟ آیت الله اظهار داشت که مضمون این مطالب مورد قبول من نیز هست و سسنها دوا سز من جنبه ملاحظه کاری دارد و آنرا نافع خودمان نمی بینم و دللی هم ندارم که ما این مسائل را حالا مطرح کنید، من گفتم آقا اگر سز قبول دارید که این مطالب سب در سز است و اگر قبول دارید که این روحانیون مرتجع در خدمت رژیم هستند و با سز استفاده از ماموم و معصبت مذهبی و اجتماعی خود به فریب سزدهها مسول بوده و به سدی در راه مبارزه آنها را ریمسا هدر آنده اند، چرا نیا بدچهره کشف آنها برای تودهها افشا سزود؟ آیا این به معنی سز سمان مرتجعین و زربیا گذاشتن مفاع نمودهها نیست؟ آیا این به معنی کتمان حقایق برای مردم نیست؟ آیا این به معنی میدان دادن و باز گذاشتن راه برای ادا مباحیات تنگین و اجدامات فریبکارانه این دسته از علما و محنهدین که فراوان نیز هستند، نیست؟ آیت -

در سز گرفته و کوشیده است اقدام ملاحظه کارانه اما محسن و مسلم را در عوار رد فوفی الذکر، سبک امدام اصولی و انقلابی جلوه دهد که البته حای حبا آنها در اس مباحثه نیست. هما نظور که کفتم کتاب "اما محسن" را نظیر سکل هم اندولوزی التقاطی ما و حکتوبسی سز حورد ما به مذهب و ما ر کسم را موصوح سمان میداد. سزای از صفحات این کتاب سز بود از اسما داب ما به فرآن و سبج البلاغه را بکسو و نقل قولیاتی از لنین و دیگر سز رکان مارکسم ارسوی دیگر و با جنس حوه سز حوردی به منحصر به اس کتاب، بلکه سزما به یک سوه عمومی ما سز را ر اندولوزی التقاطی آن روزمان، در اکثر آثار و مدارک سازمانی نملر کتاب سنا حبا راه انبیا و... را بکرمینه میدد.

و اما در مورد سز حورد آیت الله ما کنتاب "اما محسن" ما بکسوم که در مجموع، از حضا سببه کنتندگان آن تعریف و تمجید کرد و از اینکه سز طرا و ما توانسها سز حسی تحلیل از فسام "اما محسن" را زده هم، تحلیل کی تا آن زمان سز حک را بر سز سگان روحانیت سز سز سز سز بود سز نظیر آن را از آندهم، مسعبت سز دوا سز سز سعت خود را سکل غیر مسمیم و با کفتن اسس مطلب که اما سز و روحا سب ما نتوانسته تحلیلیم همدانهار "ما ما ما محسن" را زده دد، ا سز اربار داب، علاوه آیت الله خمینی کوز کتر سسین اسنادی به نقل قولیاتی که در اس کتاب اربکان ما ر کسم، سز سز سس و... آده سز اب اما از آنها که بگردیم، اخلاصا سحی بیس سز دکا همای اما موما در سز حورد ما سز ل محلف





نداشتم که نه تنها ارسوی رژیم، بلکه حتی از طرف علما و مجتهدین مرجع سزومرد حمله و طعن و لعن فراگیرم و این سرطینی است که این دسته از علما در برابر اسارت کربلای ما سد مخالفت با ما برخیزند، ولی آنچه که همیشه یادمان است که آیا ما می توانیم با طرلعن و تکفیر این حضرات در مقابل جان آنها و عمل کار بیجا بمان سکوت کنیم، و آنها را در برابر مردم رسوا نسازیم؟ نه! ما اهل خدعه و فریب نیستیم، اینها منافع بوده ها مطرح است و ما نبا بدزراهی به سازش و ملاحظه کاری نن دهیم. این ملاحظه کاری، خوددیرب توده ها و کناهی نابخودنی است. ما حاضریم لعن و تکفیر این حضرات را شنویم و عوارض آن را نیز تحمل شویم ولی دست از اسای حقایق برنداریم. نقطه عزیمت ما با دیدن منافع توده ها و مصالح جنسی با سد و هرگونه برده بوسی و کتمان این مسائل بزبان بوده ها و مصالح جنسی است.

در اینجا من برای سوجه آیت الله و احد ای را که خود من هم از روستا همدان بودم تعریف کردم. جریان از این قرار بود که من برای اطلاع و شناخت بیشتر وضع روحانیون نجف، با نفاق همین آقای دعا ئی به منزل آیت الله شاهرودی رفتم، اتفاقا هما نرو ز فرزند آیت الله شاهرودی از مسافرت مکه برگشته بود و منزل آقای بود از جمعیت که برای بدن او آمده بودند. پس از ورود ما به مکان جمعیت، فرزند آیت الله شاهرودی مقابل جمعیت ایستاد و شروع کرد به سخنرانی و ما فکر کردیم که حتما حالا میخواد هدا ز نقش و ا همیست حج وره آورد خودش از این سفر حرف بزند، اما او بجای همه این حرفها شروع کرد به تعریف داستان رفس به فی رستان سقبع (واقع در شهر مدینه) و انجا مرا سم مذهبی و حلو گری بلیس سعودی از اسام این مراسم و در اس میان رخسار د صحراه ای که طی آن رئیس بلیس آنجا ناکهسان به رمین می افتد و ممبرد و به این ترتیب به سزای عطن میرسد.

و ما حاس حرات، باره ما نومه منکبید که دم را ساری آنها برسم. راستی چرا؟ و اصلا دلیل ساری این کار چیست؟ ما سارا از تکفیر و لعن و طعن مرجع می برسا نسیسد، در حالیکه تکفیر و دسا م آنها به ما خود پیبرسن سان حقا نیت ما ست. کسی که با دشمن و طرفداران او سازش نکند طبیعی است که نیا بد هم نتظا رخی آمدگونی از آنها را داشته باشد. این مساله کلا روشن است. شاید شما تعجب کنید که عکس العمل آیت الله در برابر اینهمه بوضوح با مانع کننده من و حتی افرا ر صبح خودس نسبت به این مسائل، سکوت بود و سکوت! و با آخرس لحظه سرکو چکرسن تعبیری در نظر اوله اس بداد!

آنها را شهید نکرد. سمودند. اما مردم ما میدانتند که به اسای حیره کشف روحا نیت مرجع فریب - کاری است و به دفاع از فرزندان انقلابی خلق! فریبکار ما نسسیم، ما حزبی رانه! زما و نه! مردم بوسیده ندا شتم، فریبکار کسا نی هستند که نمخواهند مردم ما به هب ارجاعی روحا نیت در اری و سازشکاری سرنورد و رسا - کارا نه در صد بوس و کتمان حقا ئی بر ما نند که در صورت روس سن آن، مومعصب روحا نیت را در کلب خود سد حطر ما ندا زد، فریبکار کسا نی هستند که آخوند و ابسته ای خون فلسفی و اعظ در بار که ما هب و عمل کرد و در طول سالهای گذشته برای سوده های وسیعی از خلق ما و محسن برای خود آیت الله ما حده بود، او را در

فریبکار ما نیستیم، ما چیزی رانه از شما ونه از مردم پوشیده ندا شتمیم، فریبکار کسا نی هستند که نمیخواهند مردم ما به ماهیت ارتجاعی روحانیون درباری و سازشکاری بیبرند و ریاکارانه در صد دیوشش و کتمان حقا ئی بر ما بپند که در صورت روشن شدن آن موقعیت روحانیت را در کلیت خود به خطر میاندازد. فریبکار کسا نی هستند که آخوند و ابسته های چون فلسفی و اعظ در بار که ماهیت و عمل کرد او در طول سالهای گذشته برای توده های وسیعی از خلق ما و همچنین برای خود آیت الله شناخته شده بود، او را در کنار خود قرار داده و به تعریف و تمجید از او می پردازند.

کنا رخود قرار داده و به تعریف و تمجید او می سردارند. آری، ملاحظه کاری و سازش سی دلیل نیست. سحطرا مانا دن منافع روحا نیت مرتجع، منافع خود سارا نیز بحطر ما ندا زد. آگاه شدن توده های خلق نسبت به روحا نیت مرتجع، آنها را نسبت به خود سارا سازشکاری ریا ستان نیز آگاهتر خوا هدا خت. و شما فا در نخوا هید و سارا سوا رسدن سروج نا آگاه هی و توهم مردم نسبت به خود و سارا سیستمی که خود سارا امروز حزبی از آن هستند، همچون گذشته به فریب آنها سردارند. آدامدارد

آیت الله خمینی در سخنرانی اخیرش (۴ تیر ماه) ، آنجا که از ملاحظاتی با من صحبت میکنند میگوید و برای فریب من آمده بود. من از آیت الله سوال میکنم که آیا با کدیما زوی افشای روحا نیت مرتجع و کفین حقا ئی به مردم و پنهان نکردن آنها مفیوش فریب دادن ساست؟ آیا اصرا ر ما روی ضرورت سستیانی سارا از فرزندان انقلابی مردم که در سرف اعدا میبودند، یعنی فریب دادن شما؟ اگر معنی و مفیوش فریب این با سد، حرف شما درست است و با یدگفت که شما فریب نخورده اید، چرا که نه حقا ئی اسای حیانت روحانیون عالیمقا مرتجع شد و ونه کوچکتر سن حمانت از انقلاب سونی که خطرا عدا م

بسمه از صفحه ۱۲
در شهری که...
با ما به سزای حقا ئی حرا سهای خوسا و سد خود را حوب می ساسد؟ مردم ما می برسدند با همین دستگیری او اقدامی برای آبرودادن به لبرالیا و ستم آمریکا نوده اس؟ توده های ما آگاه و سمدده ما که با تحربه و سالا خود با اس ریم، سدر سح دا سندا سنا ه خوس را در جمع کردن طومار برای قطب زاده موجه مسدند، ما رسا موهمی تا نه - هر چند مسلیما موفت - کر سنا ر ما سسد. اصا گری و اصال اس و روسن کردن ما هب طفا ئی آسان، کمن حصت به نوده ها را که ار وظا ئف حده ما بذرمان اس هرگز نیا سسد فرا موس کنیم.

به موضعی سهای قطب زاده رسا م بهیمن سبعد در جای دیگری با سدر خورد کنیم.

بسمه از صفحه ۱۱
مجا هدین...
را "ناکسک" قلمداد کنند. ارد سکا هی انقلابی با کسک در خدمت اسرا ئری اس و هرگز نا فی آن ساستی ساسد. ومسی مجا هدن روزا نه و همواره در دفاع از انقلاب سعل میوزند و در عوص با نا مه سارا کنی برای ارجاع، دستهای حونس حلا دن را مسوبید و با علنا بدفاع ار بحنی ارا ر جاع (لسیرالیا) می سردارند، سکر این با کسک سبت، ا یس یک استرا تری ارجافی و مغا بر با اهداف انقلاب اسرا ن است. آیا عدم دفاع از خلقنا (ترکمن، کرد و...) مبنوا بدسک نا کتیک با سد؟ آخرا یس حها سیکسی اس که، ۲۰ ما هجنا یات ریم بر علیه زحمتکسان را (در کردستان و ترکمن صحرا و...) مسکوب سکا ردد. تا کتیک با سدر خدمت انقلاب و اسرا تری انقلابی ساسد، نه برای نجات ارتجاع از سسر صرا ت توده ها.



هما نظور که میدا نیم‌ریگان مخالف سمان
"محدود کردن سلاحهای هسته‌ای (سالت - ۲)" می
- با شد و جمهوری خواهان اعلام کرده اند که مانع
از تصویب آن خواهند شد. علت مخالف جمهوری-
خواهان با این بیمان اینست که سوسیال
امریکا لیسیم شوروی دارای کلاهکهای هسته‌ای
بسیار زیاد میباشد. براین اساس نمایندگان
جدیدا میرا لیسیم آمریکا با تصویب این قرارداد
مخالف بوده و خواهان تسدید مسابقه تسلیحاتی
مسا شد.

دستجمعی سرخیوستان توسط امریال لیسیم
جنا بیگتا را میرکا دست به راهبیمانی رده و حرکت
اعتراضی خود را دروا شنگین بسایان رساندند.
جنا بیگتا را نیانکی سیوسته کوسیده اند تا از
طریق قتل عام و گشتا سرخ بوستان، نسل آنان
را نابود کنند، به همین خاطر تنها هرکنندگان،
این راهبیمانی را از اسیمائی برای بقا "نام-
گذاری کردند. تنها هرکنندگان در عین حال
خواستار آزادی رهبران زندانی خود و خاتمه
دادن به مسابقه تسلیحاتی بودند.

چین رویز پو نیست رژیم مزدور پاکستان را مسلح میکند

سراسر یک قرارداد نظامی که اخیراً منعقد
شده، چین رویز پو سیست هوا بیما های جنگنده و
موشکهای زمین به هوا به پاکستان تحویل می-
دهد. اولین دستا رهوا بیما های جنگنده از نوع
"فاننن" یا "حاجی - ۶" رژیم مزدور پاکستان
تحویل گشته و مراراً ست بزودی سه اسکادران دیگر
از این نوع هوا بیما ها به این کشور ارسال
گردد. براساس این قرارداد مجموع جنگنده های
فاننن خریداری شده ۶۵ فروند میباشد. این
هوا بیما ها، جنگنده مرستی بوده و دارای سرعت
۲/۳۵ ماخ میباشد. رژیم آمریکا ضیاء الحق
اولین رژیم است که از چین بورژوا- رویزیونیست
این جنگنده ها را دریافت مبادا رد. رویزیونیست
- های خائن حاکم بر چین هر روز گام تازه ای
در راه خیانت به خلقهای جهان برمیدارند.
آنها رژیم مزدوری را مسلح میکنند که کلاً
وابسته به امپریا لیسیم آمریکا بوده و سرریزه-
های سیوسته سینه شده های زحمتکش را نشان
رفته است. چین ضد انقلابی با فروتنی این
تسلیمات می رود تا فعالانه به یک سوداگر
بین المللی مرک تسدید گردد.

خلق السالوادور میرزمن

مبارزات خلق السالوادور و انقلابیون آن
علیه رژیم نظامی مزدور این کشور همچنان سه
بیس می رود. مبارزات مردم این کشور بخصوص در
کسال اخیر برای سرکوسی رژیم حاکم تسدید
اوج گرفته و در مقابل آن ارتجاع به خونین -
ترین سرکوسی و سرور وحشیا سروری آورده است.
در سال جاری حدود ۱۰ هزار نفر از مردم کشته
و هزاران نفر زخمی شده اند. در همین یک هفته
اخیر ۴۲۰۰۰ نفر توسط عوامل مستقیم و غیر مستقیم
دولتی به قتل رسیده اند. در این قتلها از جمله
یک گروه تروریستی - فانیستی بنام "جوخه
مرک" که تحت کسرل دولت میا شد شرکت دارد.
لازمه ما دآوری اسب که اخیراً امریال لیسیم
جنا بیگتا را آمریکا ۵/۷ میلیون دلار "کمک" نظامی
به رژیم حاکم کرده و در حال حاضر تعداد زیادی از
مساران و اسران نظامی آمریکا در حال
تعلیم دادن نژاد سالی السالوادور میباشند.

مانورهای نظامی امپریا لیسیم آمریکا در مصر

در سال ۱۹۷۲ بعد از ۱۷۰۰۰۰ سال نظامی
سوسیال امریال لیسیم، مصر را ترک کرده و در سال
آن روابط "حسه" میان مصر و شوروی باسان
میبذیرد. از آن پس سادات خائن دست بردار
امریا لیسیم دیگری گشته و هر چه بیسر میگوید
تا نفوذ امریکا در مصر تعویت و گسترده شود.
امریا لیسیم خونخوا را امریکا با توجه به اهمیت
استراتژیک مصر، بخصوص پس از سقوط سلطنت
شاه خائن، حفور و نفوذ خود را در اس کشور تحکیم
مینماید. و جگسری جیبسیا در منطقه، اهمیت
منابع نفتی موجود در آن و تسدید در آن بنا
شوروی امپریا لیسیم، امپریا لیسیم یکی را
آن داشته تا فعالیتهای خود را در منطقه و از احمد
در مصر کسری بخشد. در همین رابطه فرا را

ریگان جنایتکار مسابقه نظامی را تشدید میکند

هما نگو سه که اسطرا رمبرفت ریگان، نماینده
جدیدا امریال لیسیم آمریکا، در جهت افزایش
سودجه نظامی و تسدید مسابقه و رقابت تسلیحاتی عمل
نمود. پس از رسیدن به قدرت، ریگان از کنگره
امریکا مبلغ ۲۰ میلیارد دلار جهت افزایش
سودجه نظامی درخواست کرد. در حال حاضر سودجه
نظامی امریکا ۱۹۵ میلیارد دلار میباشد که با
توجه به درخواست ریگان این مبلغ به ۲۱۵
میلیارد دلار خواهد رسید. پروا صحیح
است که کنگره آمریکا برای گسترش جنایات و
تجاورات در عرصه جهانی به این پیشنهاد رای
مست خواهد داد. بطوریکه کنگره پس از انتخاب
ریگان بخشی از بیسیه سادات او را مسی سرفراش
حقوق ارشیا و اسجادیک ارس ذخیره یک
میلیوسی، محظزه مدرنترین سلاحها و دارای قابلیت
رزمی برای نبرد در کوتاهترین زمان، را مئورد
قبول قرار داده است. در حال حاضر ساینگان
سوداگران مرک و اسلحه در کنگره امریکا، راجع به
سکبل یک ساوکان ۶۰۰ واحدی و کسرتس موسک-
های هسته‌ای "ام- اسکن" بحث میکنند. علاوه

اعتصاب يك ميليون کارگر یونانی

طبعه کارگر یونان برای ۲۴ ساعت یونان
را بلرزده در آورد. روز دوشنبه ۱۹ آبان بیس
از یک میلیون کارگر به منظور اعتراض دستمزد
و حقوق و شرایط بهر کار رده است با عصاب رده.
این اعتصاب سراسری، وسائل نقلیه عمومی
صایع، ارتباطات تلفنی، فعالیتهای عام-
المنفعه و بیما رستانها را در بر گرفت. این
اعتصاب عمومی تمام مریدی اقتصاد کسور
را متوقف ساخت و نشان داد که طبعه کارگر
نیروی عظیمی دارد. این اعتصاب که به ابقاء
قدرت پولادین کارگران برساند، سلافا مله دولت
سرما یهداران را وادار ساخت تا قول ویرانه‌های
صنعتی سراسر دستمزد کارگران و پهنرسدن
شرایط کار بدهد. اما آیا بورژوازی به قول خود
وما خواهد کرد؟ هرگز! و آیا کارگران به
مبارزات خودسان خواهد داد؟ هرگز!

۱۰۰۰ کارگر در اسرائیل اعتصاب کردند

ده هزار کارگر در لسل اعتراض به عدم
پرداخت مفری آنان ارجاس سپرداری در تل-
آویوا عصاب کرده و تمام خدمات شهری را مختل
نمودند. سرکان سز که خواهان اما نه حقوق می
- ساسد و با حال کم کاری سکر دنده اعتصابین
سوسند.
رسم صیوسی و اسالکر اسرا شبل
سوسه کوسده اس با طریق تبلیغات
سویوسی و اعمال سارور و هر حرکت اعتراضی
و مبارزاتی کارگران را حفه کند. اما تشدید بحران
اقتصادی و ستمگری ساسی، پس از بیسی
کارگران راه ممدان سارزه مستقیم علیه
بورژوازی حاکم مسکسا ندو کارگران اسرائیلی
در مسانده که با خلق فیرمان فلسطن در مبارزه
علیه صیوسیتهای سحا و زکار ردا رای سرنوشتی
مستمر هستند.

نظا هرات سرخیوستان آمریکا

حدی بیش نمایندگان قبائل سرخیوستان
آمریکا بعنوان اعتراض علیه کسار ساسنی

تبلیح... ۴ صفحه از مقبلا

با بدین سطح را بطور دائمی لاتر برسد... پس از قشر (از نظر عددی کوچک) کارگران بیسرو، قسرو سنج کارگران متوسط قرار دارند. این کارگران هم با حرارت بخاطر سوسا لیسیم تلاش میکنند، در محفلهای مطالعاتی کارگران شرکت میکنند، روزنامهها و کتابهای سوسالیستی را میخوانند در کار تبلیغی شرکت می کنند و با قشر قبلی فقط از این لحاظ تفاوت دارند که آنها نمی توانند بصورت رهبران کاملاً مستقل جنبش سوسال دموکراتیک طبقه کارگردار آیند. کارگرم متوسط برخی از مقالات روزنامه ای را که هدفش آن است که ارگان حزب باشد، درک نخواهد کرد. او قادر نخواهد بود که دریافت کاملی از یک مسئله سنجیده تئوریک یا عملی حاصل کند. اما این امر مطلقاً بدان معنا نیست که روزنامه ها باید خود را تا سطح توده خوانندگان با بسین آورد. این روزنامه برعکس باید سطح فکر آنان را بالا برد و کمک کند که کارگران بیسرو را از بس قشر مابنی کارگران سازد و اعتلا بخشد. این قبیل کارگران که به سلسله کار عملی محلی جذب میشوند و عمدتاً بدربودادهای جنبش طبقه کارگرم شامل فوری تبلیغ علاقه دارند، باید هر عمل خود را با افکار جنبش سراسری طبقه کارگرم و سوسالیست و وظیفه تاریخی آن و هدف نهایی سوسالیسم متوسط سازند. از اینرو روزنامه که توده خوانندگان آن کارگران متوسط هستند، باید سوسالیسم و مبارزه سیاسی را با هر مسئله محلی و محدودی مرتبط سازد. بالاخره پس از آنکه کارگران متوسط، توده ای قرار دارند که لایه های باسین تریولان را تشکیل میدهد. این امر کاملاً امکان پذیر است که یک روزنامه سوسالیستی بطور کامل یا تقریباً برای آنان غیرقابل درک باشد (حتی در اروپای غربی تعداد رای دهندگان سوسال دموکراتیک خیلی بیس از تعداد خوانندگان روزنامه های سوسال دموکراتیک است). اما این معنا خواهد بود که از این امر نتیجه گیری کنیم که روزنامه سوسال دموکراتیکها باید خود را

با باسین ترس سطح آگاهی کارگرم انطباق دهد. بنابراین حصری که از باسین واقعیت سبب میبشود آن است که با بسا کال گوناگون سلیخ و ترویج مدارک سودنا برای لایه های گوناگون امریکادار، جزوه هایی که به زبان عامه فہم برپوشیده شده باشد، تبلیغ سفاکی و عمدتاً با سببها و اوقات سراسر روزنامه های عمیلی (۵)

مدین تربیب سازمان کمونسینی برای در - آمسختن با توده های وسیع به تنهایی نوده های سسرو، بلکه توده های عقب مانده نیز با سستی توجه داشته باشد. منتها اشکال و کیفیت سلیخ در مورد باسین اقتار متفاوت است. ارگان مرکزی برای توده های سسرو، (و نیز نا حدودی توده های متوسط) نشریات محلی برای توده های متوسط (و نیز نا حدودی توده های عقب مانده)، اعلامیه، جزوات عامه فہم، تبلیغ شفاهی و... برای توده های عقب مانده تبلیغ درمان توده های عقب مانده، میتواند، حتی از طریق کلوبهای ورزشی، انجمنهای هنری، تئاتر، داستان، موسیقی، تشکیل کمیته های امدادیه آوارگان جنگ، هستیهای آموزشی (حتی تدریس مواد درسی)، گردشها و کوهنوردی در روز تعطیل و... احاطه کرد. چه با تبلیغ سرروی خصوصیات رهبری یک سازمان، تبلیغ مداوم آرم تشکلات، یک راهسمائی یا سکو، نحوه سخنرانی سبک رفیق در میتینگ، یک نماد سبک و طراحی خوب، نمایش فیلم و نشانی ترموور توجه توده ها، شعارهای روی دیوار، بلاکاردها و مقوای سرچهار راه، تائیر ساریا اهمیت در جذب توده ها و در آمیختن با آنان داشته باشد.

کلام آخر، تبلیغ با سببها نندیک نسیم صورتی گسترده همه اقشار توده ها را در برگیرد و مسری شود، با بدهم چون نسجی سراسر کشور را زیر سطره خود بگذرد، کارخانه، مزرعه، کوچها، محلات، درود سوار سپهر، مدرسه، ادارہ، و خلاصه در همه جا حضور داشته باشد. تنهایی در چنین حالتی است که کمونسیم در میان توده ها نفوذ می یابد و کمونسیتها با جلب اعتماد باسین رهبری مبارزه طبقاتی را بسبب مسکرتند. ادا به دارد.

(۴) و (۵) - لندن - کراس قهرانی در سوسال دموکراسی روس

تبلیح... ۱۸ صفحه از مقبلا

پاسخ...

شرایط جامعه و همچنین ضعفها و ایرادات وارد در امر حباب و توزیع متاسفانه بیگانه در سبب دست رفا مبرسد. مهمتر از آن به اندازه کافی نیز بدست رفا نمیرسد امیدوارم با همکاری کلسه رفا، بر این ضعف فائق آشم.

بیروزنای
* - کلسه رفا ای مناطق مختلف، سازمان داشجو - بان و دانس آموزان بیگانه رو کلسه هواداران موظفند بیگانه را، اعلامیه ها و تراکت ها را به هر میزان که میتوانند تکمیل و پخش نمایند، تا محدودیت تبلیغاتی ما حصران شود.
* - یکی از خوانندگان عزیز ما که بدین سبک خانواده س تقوی است طی نامه ای نسبت به مطالبی که در "مباحثه رفا حسن روحانی و ثواب حق شناس" مندرج است تمجید کرده و خواستار انتشار مجدد این مباحثه بصورت جزوه ای جداگانه شده است. ما ضمن تشکر از این خواننده گرامی، سه او دیگر رفا ای که در باره این مباحثه و انتشار مجدد آن به ما نامه نوشته اند اطلاع میدهم که این مباحثه را همچون دیگر مطالب تبلیغی و ترویجی بصورت جزوه جداگانه در اختیار کارگران و زحمتکشان مبین سان قرار خواهد داد.

بیروزنای
نامه های زیادی بدستمان رسیده که حاوی انتقادات، بیسببها و استیلاات بود. که مورد توجه قرار گرفت، ما ضمن تشکر از کلیه رفا، می خواهم بگویم همچنان با ارسال نامه های خویش در پی سبب در فعالیت سازمان کوشا باشیم. بدلیل محدودیتها، ما صرفاً به ذکر اسامی نویسنده اکتفا میکنیم، در ضمن با سب برخی از استیلاات در بیگانه های شما رفا ای قبل و مواضع رسمی سازمان توضیح داده شده است. بسیاری از آنان نیز در بیگانه رشتوریک با سب داده خواهد شد رفا: بهزاد - رمان ماک - کارگرم بارز، رمان - اکرم - م. ه. ج. ل. ج. دانش آموز ر، ب. رضا از شهری - رفیق هواداران از دانشکده ۳۳ شرق - F و Z (رفقا) اسم اول حرفتان را فارسی ستویسید) - سهرام - بیسمرگه - ج. ج. ۴ ریاضی از شهر - ج. ارکچ - ق. از د. د. ت. ج. م. ع. ن. س. ل. ر. کاوه قانع از سقز ف. ع. ن. کازرود - س. م. قارا از تبریز - ر. بازرشت - عباس - ب. الف - ن. از رودس - د. د. گلان - ج. ر. هسته هنری منهد - م. ر. از نیسا - سور - دانشجوی هوادار منهد، س. ج. م. ، الف - دانشجوی هوادار تهران - س. ج. رفیق ع. بشمرگه - ف. ک. دانش آموز - ط. از اصفهان - ابراهیم از اصفهان - د. د. اصفهان ر. با از کمیته سزگی - ر. س. از شهران - ع. ه. از هوادار - حبیب - الف. م. زوباکا رگرتراشکار - هواداری از خلخل - د. د. ب. ج. سعید ج. قاسم - کریم - س. م. ر. رفیق کارگری طری ساز - رفیق ر. لیلان - م. س. ر.

با نیروهای نظامی مصر و اردن با یکدیگر فاهره کشته و قرار است ۱۴۵۵ سوار و حتر با زوبسک اسکادران شامل ۱۳ هواپیما ای جنگی ناکتیکی "ای - ۷" نیز سزودی وارد مصر شوند. لازم به یادآوری است که نیروهای مسلح مصر در ۱۷ آبان به خواست امبراسالسم امریکا با استعاده از ۱۵۹ هواپیما ای جنگی، دست سب ما نورنظای زد تا بتوانند از آما دگی بشتر بر خوردار گردند. در حال حاضر رژیم سوسالده سادات مصر را تبدیل به بیگانه ای نموده که امبراسالسم امریکا با اتکاب به آن نتواند تحاواوات آتی خود را تحقق بخشد.

بزودی بمدت دو هفته ما نورهای نظامی گسترده - ای از جانب امریکا در مصر صورت گیرد. هدف امریکا اینست که بتواند ۱۰۰۰۰۰۰ سراز در صورت نیاز در مصر بیدار کند به این خاطر امریکا در حال حاضر با این ما نورها در بی آنست تا آما دگی تحاوی خود را ارتقا داده و قابلیت انطباق نیروهای خود را با شرایط منطقه هر چه سیستمساز نماید. برای انجام این ما نورها که "ستساره درختان" نامیده میشود، تا سحال اولین گروه از حتر بازان امریکائی برای تمرینات آزمایسی

رشد مبارزات طبقه کارگر و زحمتکشان و خلق
- های قهرمان ایران، رژیم ارتجاعی جمهوری
اسلامی را وادار نموده است تا علاوه بر سرکوب
جنبش توده‌ای و ترور و تیرباران انقلابیون و
بویژه کمونیستها، زندانهای خود را برای در بند
کشیدن آنها گسترش دهد، و به همین خاطر رژیم در
زندان مخوف اوین که در دوران قیام مبدست
توده‌های مردم فتح شد، با کمبود جا روبرو گشته
است. سند شماره (۱) که مربوط به سال ۵۸ می -
باشد، همچنین استیصال رژیم را از سرکوبی
جنبش روبرو با اعتلای توده‌ای نیز نشان میدهد.

زندانیهای شاه هم کفاف رژیم جمهوری اسلامی را نمی‌دهد!

سند شماره ۴

جناب آقای قدوسی

دادستان کل انقلاب اسلامی ایران

مدت زیادی است که فرزندان انقلابی ما در بند هستند. فرزندان که در رژیم مفسور شاه لحظه‌ای از مبارزه بر علیه آن
وابستگان امیرالیستی دست برنداشته و حتی پیر از قیام بر شکوه بیستمین ساله مبارزات خود برای حفظ دستاوردهای انقلاب
ادامه داده‌اند.

این فرزندان لایزال از عشق به توده هستند. و جم اکسون نیز فقط به نرم دنیا از عقاید خود در بدترین موتیبت و
کترین امکانات به فاصله دورین از شهر و خانواده این خود بسر برتند. از زنی مدت محکوم آنان و لای و نالیسا
در دادگاه اعلی تعیین شده است که این فرزندان مبارز از داشتن شیبی ترین حزب خود یعنی دایمین و کین و دایمین و کین
علی و غیر منفی محروم بودماند و این درسته خبر است. ۳۰ قانون اساسی است. معتقد است در همه دادگاه با
محکومین حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند. . . .

ما خانواده‌های ایسین زندانیان از دادستان کل انقلاب اسلامی تقاضا داریم که در مدت محکومیت این زندانیان
مبارز و در بند تجدید نظر به عمل آورده و هر چه زودتر اقدام نموده و خانواده‌ها را از نگرانی و اضطراب برهانند.

با تقدیم احترامات

خانواده‌های زندانیان سیاسی لالی و مسجد سلیمان

۰۹۰ / ۲ / ۱۱

روئوش دادستان کل انقلاب اسلامی

روزنامه کیهان

اگرچه این سند مربوط به سال ۵۸ میباشد،
اما رشد مبارزات توده‌ها در این یک سال، آمار -
هایی از دستگیری انقلابیون، گواها این حقیقت
است که هم اکنون هم رژیم با مشکل کمبود زندان
روبروست.

طبق اخبار رسیده از تعداد کل زندانیان
زندان اوین که ۱۰۲۵ نفر میباشد، ۱۳۲ نفر
ساواکی، ۶۸ نفر نظامی و بقیه در حدود ۷۸۰ نفر
سیاسی هستند.

رفقای پیکار رگر، منوچهر نیک اندام، محمد
اشرفی، شکرالله‌ها نشیا ربه جرم آگاهی دادند به
زحمتکشان بدست رژیم ددمنش جمهوری اسلامی
تیرباران میشوند و رفیق حسنعلی شهریساری
کارگر مبارز و کارکنان دیداری سازمان در آغا جاری
به ۱۵ سال و رفیق حسین رهگذر در شیراز به جرم
کمک به جنگ زندگان به ۱۰ سال زندان محکوم
میگردند.

روزنامه کیهان مورخ ۸/۲۰ خیر از دست -
گیری ۲۰ دانش آموز دختر هوادار سازمان
مجا همدین میدهد
خبر دیگری که گروهای از مادران مجا همدین

کمونیستها و انقلابیون نشاندهنده استیصال و
درماندگی رژیم جمهوری اسلامی در قبال رشد
جنبش توده‌ای و فعالیت آگاهانه کمونیستها
و دیگر نیروهای انقلابی است. اما اگر رژیم
جمهوری اسلامی سراسر خاک ایران را به زندان
وسپاه چال تبدیل کند، باز هم توده‌های آگاه
بهمراه کمونیستها و انقلابیون و به رهبری حزب
طبقه کارگر، با برقراری جمهوری دموکراتیک
خلق، ناقوس مرگ رژیم را در هر کارخانه و مزرعه
و کوه و خرابی با نوا به صدا در خواهند آورد!

بخاطر اعتراض به دستگیری فرزندان نشان، دستگیر
و مدتی در بازداشت به سر برده‌اند.

در جریان محاکمه سعادت‌ی مجا همدین در قاصه
روزهای ۸/۱۳ تا ۸/۱۴، ۷۵ نفر از هواداران
مجا همدین دستگیر و روانه زندان میشوند.

سند شماره (۲)، نامه خانواده‌های زندانیان
سیاسی لالی و مسجد سلیمان به قدوسی دادستان
کل رژیم میباشد.

این نمونه‌ها به همراه هزاران مورد دستگیری

زندانی سیاسی انقلابی آزاد باید گردد

جنگ...

تجدید صفحه ۱

فسار
سرخو
افزاد
رباز
گرسنگ
بهر
ومواد
زحمتک
بستی
وغذا
ساعت
افزای
هزیب
سواد:

کالاهای اضافه میشود. بدین ترتیب می بینیم افزایش قیمت بنزین از چند جنبه باعث بالا رفتن سریع قیمت کالاهای مصرفی و مواد غذایی می گردد. و دنیا زحمتکشانی که باید برای تهیه حداقل مایحتاج خود چنین قیمت‌های کم‌ترکن را بپردازند. علاوه بر رژیم شهری اسلامی با اخذ ۲۰ ریال اضافی بابت هر لیتر بنزین از تاکسیرانسان زحمتکش میخواهد محرمانه اقتصاد شدت یا متد ارتحک را تخفیف دهد و با حبیب پرورحک با رژیم ارتحای عراق ادامه دهد. وعده ما زبرد آخت ۲۰ ریال اضافی هم دروغ و فریبی بی‌بش نبوده و وعده‌ای است که هرگز عملی نخواهد شد. همزمان با شدت سابی این فشارهاست اقتصاد ایران زحمتکشان، سردمداران رژیم عراق - سرسانه کارگران و زحمتکشان را در "تحمیل مثقات" و "روزه گرفتن" دعوت میکنند. یعنی اسکسکه سرما بدهد آن و سردمداران رژیم در رفاه باشند، اما زحمتکشان روز به کم‌ترند! رژیم جمهوری اسلامی اکنون با برقراری مقررات حیره بندی مایحتاج عمومی، میخواهد آحرین شورهان زحمتکشان را کتیده و با این حیلکلبه عوارض و فشار اقتصادی ناشی از جنگ با عراق را بیاورد. کارمل سرزحمتکشان تحمیل کند. سدا سم در شرایطی که برخی از موسسات افغانی بخصوص صنایع نفتی سمباران شده و شرایطی که رژیم به اسلحه‌های جدید و قطعات بدگی شیدای احتیاج دارد تا به جنگ ادامه دهد، تا مکن مکانات اقتصادی و مالی امریمی برای رژیم بسامار ما بد، حیره بندی مواد غذایی، گراسی کالاهای مصرفی، افزایش مالیاتها و... از جمله راه‌حلهائی برای این منظورات. از آنجا که اقتصاد ایران وابسته است رژیم محصور است کالای واردکننده از آنجا که ارتجاع خواهان ادامه حک فدمردمی است، رژیم نیاز به اسلحه و مهمات نظامی دارد.

بنا بر این رژیم بده هر طریق امکانات مالی فراهم سازد. فشار بر رتوده‌ها را به حل اساسی برای مپا تا حکمه است. رژیم ر طریق حیره بندی گراسی، افزایش مالیات و... توده‌ها را بده

گرسنگی و سرگ تدریجی میکشاند. ما بدها ف
را فرا ترکذاشته و بیشتر ما نه بگوید:
"وظیفه انقلابی خود بدها نیم که تولید را
افزایش و مصرف را کمتر کنیم." (شعار زبیر
صفحه روزنا مدهمهوری اسلامی).
مرجعین، کارگران و زحمتکشان را به تن
دادن به اسلحه هر چه بیشتر تحت شعار "تولید
بیشتر" و تحمل گرسنگی زیر عنوان "مصرف کمتر"
دعوت میکنند. آنها به مردم میگویند با "تولید
بیشتر" جیب سرما بدها را برای خرید اسلحه
و سایر بزرگ نظای برکنید. و اگر ما بحتاج زندگی
روزمره شما فرا هم نیست، اگر مواد غذایی مورد
نیاز موجود نیست، با "مصرف کمتر" عوارض این

ار طریق افزایش قیمتها، مالیاتها و در گرسنگی
قرار دادن و افزایش اسلحه زحمتکشان امکان
پذیر است. حزب جمهوری اسلامی از این همپا

**رویزونیستهای فدایی (اکثریت)
و خیانتی دیگر!**

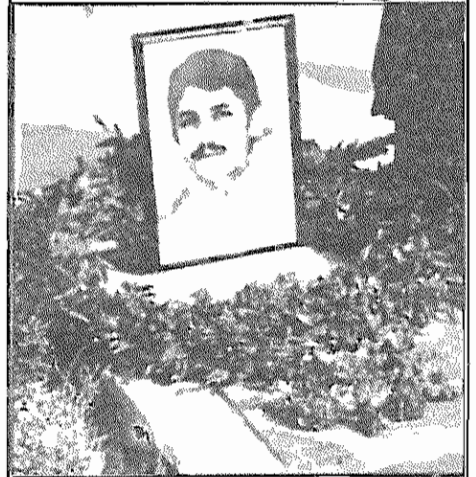
طبق اطلاعات موثقی که بدست ما رسیده است اخیرا در بیروت بین محمد علی فرخنده - کشگر ما بینه سازمان چریکهای فدائی (اکثریت) و یونا ماریوف یکی از ایدئولوگهای حزب رویونیست شوروی ملاناشی صورت گرفته است. یونا ماریوف در راس جناحی از رویونیستهای شوروی است. سیاست اس جناح از سوسال امپریالیسم شوروی بر آن است تا با انتقاد برخی از ترهای رویونیستی رسوا شده خورشید و از آنحمله تر "راه رتد عمیر سرما بدها ر" آسوروی سوسال امپریالیسم را حفظ کرده و اهرم فریب کارانه برای نفوذ بیشتر در جنبهها بدست آورد. اگر جناح سوسولف و برژنف همچنان بر همه نیاستهای گذشته فشار می کنند، این جناح میکوشد در شرایط رشد جنبشهای آزادیبخش در عرصه‌های ظاهری "جیب" بخود گرفته و بدین ترتیب قدرت با شور و عوا مفریبی بیشتر را تا من سازد اما حقیقت آن است که این جناح همانند جناح سرزنف جناحی امپریالیستی میباشد، ما این تفاوت که میکوشد تا عوا مفریبی های نوین جنبش خلقها را به انحراف بکشد، رویونیست های فدائی که خود را هم مپا با این جناح رویونیستی می بینند، میکوشند تا مناسبات نزدیکی با آن برقرار کرده و بیش از پیش حرکت خود را در تطابق با جناحی از سوسال امپریالیسم قرار دهند. لازم به تذکر است که میزبان رویونیستهای شوروی و ایرانی "سازمان کار کمونیستی" لسان بوده است که خود سازمانی رویونیستی و طرفدار جناح یونا ماریوف همچون سازمان چریکهای فدائی (اکثریت) است.

را فرا ترکذاشته و بیشتر ما نه بگوید:
"وظیفه انقلابی خود بدها نیم که تولید را
افزایش و مصرف را کمتر کنیم." (شعار زبیر
صفحه روزنا مدهمهوری اسلامی).
مرجعین، کارگران و زحمتکشان را به تن
دادن به اسلحه هر چه بیشتر تحت شعار "تولید
بیشتر" و تحمل گرسنگی زیر عنوان "مصرف کمتر"
دعوت میکنند. آنها به مردم میگویند با "تولید
بیشتر" جیب سرما بدها را برای خرید اسلحه
و سایر بزرگ نظای برکنید. و اگر ما بحتاج زندگی
روزمره شما فرا هم نیست، اگر مواد غذایی مورد
نیاز موجود نیست، با "مصرف کمتر" عوارض این

آردن
انها نما مشقات و سختی ها و کمبود مواد غذایی
ناشی از جنگ را شیرین بیزیرا! میشوند. چون ادامه
چنین حکمی تا بیروزی، ما تمام مشقاتش بنفع
کارگران و زحمتکشان تمام خواهد شد. اما جنگ
ایران و عراق به خواسته کارگران و زحمتکشان،
بلکه خواسته سرما بدها را و بنفع آنها میباشد
بهمین جهت جنگ سرما بدها را از حفر لاکت برای
کارگران و زحمتکشان نتحهای نادر دوده همین
خاطر توده‌ها از این جنگ بیزارند.
هنوز دنیا از گسترش جنگ بگذشته است،
اما ناگذشتن هر روز، قسمتها بنحوشکننده‌ای بالا
سپرد و آثار فحطی و گرسنگی محسوس تر میگردد.
بدون سک سالوانی شدن جنگ، مردم زحمتکش
ما به یک فحطی و گرسنگی و بیماری و مرگ و میر
تمام عیار دجا رخواهند شد و مسئول تمام این
جناح با رژیم حاکم است.
البته ملاکت و گرسنگی ناشی از جنگ ایضای
ایران و عراقی تنها گریبانگیر زحمتکشان ایرانی
نیست. زحمتکشان عراق نیز به تحمل فشار
اقتصادی و گرسنگی ناشی از جنگ محکوم شده اند
آری، فقر و فلاکت متوجه خلقهای ایران و عراق
است. اما مطمئن باشیم که مبارزات رتد بینه
توده‌ها نیز مترجه رژیم ایران و عراق خواهد بود.



شاخه های گل
بر مزار شهیدان



دربزرگداشت چهارمین سالگردشهادت رفقا بهرام آرا و محمدحاج شفیعیاجمعی از رفقا و هواداران سازمان، روز جمعه ۲۳ آبانماه در بهشت زهرا گرد آمدند، و از رفقای شهید و انقلابیون دلیری که در یکی از سباهترین دوران های تاریخ سیاسی ایران همچون ستاره هائی تا بناک در آسمان میهن ما درخشیدند و به امید تلاش در راهائی زحمتکشان، پس از سالها مبارزه و در روبرو با رژیم و وابسته و خونخوار شاه، جان خویش را فدا کردند، تجلیل بعمل آوردند، به پیام سازمان که بدین مناسبت تهیه شده بود گوش فرادادند و بر مزار تک تک رفقای شهید بخش منشعب از س. م. خ. ا. که در بهشت زهرا سس از ه ۲ نفر از آنها قبرساز بر ما معلوم است، شاخه های گل نثار کردند و یکبار دیگر سس مان وفاداری به آرمان شهیدان را که نابودی سلطه امپریالیسم و مبارزه در راهائی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان است تکرار نمودند.

در این مراسم ما در مجا هد شهید هوشمند خا منهای نیز حضور داشت و دو قطعه شعرا که بصنایت شهادت بهرام و هوشمند سروده بود بر مزار آنان قرائت کرد. رفقا نسبت به ما همد سید هوشمند و دیگر شهیدان خلق نیا دای احترام کردند. دریابان قسمتهائی از پیام سازمان را می آوریم: "... خاطر شهیدان عزیزمان را در شرایطی گرامی میداریم که مکان برگزاری مراسم در خور آنان فرا هم نیست و کاروان شهیدان از سی همادامه دارد؛ از رفقای شهید مسعود مالحی راد و طبیب نجم الدینی که در تبریز بدست قدا نقلا ب ضرورت ندانند تا کاک عطا براه زنده که در کردستان به دیگر پیشمرگه های سپید راهائی خلق کرد و کلیه خلقهای ایران بیوست و تا رفقای شهید محمدا شرفی نفتگر کمونیست، منوچهر تنک اندام معلم کمونیست و شکر الله اندانیا رکه در خوزستان دربیدا دگا ه خلخال و به حکم سرما به داران حک

زندگینامه یک کمونیست،
پیکارگر شهید، رفیق حسین نورائی

نام: حسین
تاریخ تولد: ۱۳۲۷
شهرت: نورائی
محل تولد: بوشهر
اهد ثلویزی: مارکسیست لنینیست، عضو سابق اتحادیه دانشجویان ایرانی در پاریس (هوادار سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر) و عضو فعال سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار در اهواز
شهادت: ساعت ۱۱ و ۳۰ دقیقه صبح چهارشنبه هفتم آبان ۵۹، هنگام کندن سنگر

می بردا زد، ما هیت رژیم های ضد مردمی دو کشور را برای زحمتکشان اهواز افسا می کنند فعالانه به یاری جنگ زدگان میشتا بند و علاوه بر تبلیغات و کار سیاسی در میان زحمتکشان، در کار هاش مصائب جنگ برای آنان صمیمانه میگویند. رفیق حسین در طی این مدت با پشتکاری وصف ناپذیر رهنمودهای سازمانی را بکار می بست و در زیر خیمه راه و ترکش تویهای دشمن و در کنار توده های جنگ زده به وظایف انقلابی عمل می کرد. در روز ۷ آبان، هنگامیکه رفیق در یکی از محلات اهواز مشغول حفرتنگر، برای ساختن بنا های برای زحمتکشان در مقابل خیابانهای ارتش فذخلقی عراق بود، به شهادت رسید. همطور که زندگی رفیق در راهائی توده ها گذشت، شهادت نیز به هنگام خدمت به خلق بود. شهادت رفیق حسین در جبهه و تیرباران به رفیق سیکارگر شهیدان نثار، نیک اندام و شرفی برای سازمان ما افتخاری بزرگ محسوب می شود، چرا که این رفیقان در گرما گرم سیردنا عادلانه کنونی، صمیمانه به آرمان سرخ زحمت کشان وفادار مانده و دوشا دوش دیگر رفیقان سیکارگر در خوزستان جنگ زده، آتی از شرکت فعال در مبارزه طبقاتی توده ها غافل نمادند شرکت فعال سازمان ما به منظور تبلیغات افسا گرانه سیاسی و اماد دویاری به توده های جنگ زده تنها با فداکاریها و جانبازیهای دلاورانی چون رفیق حسین ممکن بوده است، اکنون پر حمرخ رفیق حسین را بیکارگران و مبارزان دیگر دوش خواهد کشید و تا طلوع خورشید کمونیسم به پیش خواهند رفت. یادش گرامی باد

رفیق حسین در یک خانواده متوسط و مذهبی بدنبا آمد، تحصیلات ابتدائی را در جزیره قسم به بیابان رساند. با انتقال پدرش به اهواز تا آخر دوران تحصیلی در اهواز اقامت داشت، حسین در زمان شاه شاهن، بعنوان یک دمکرات انقلابی فعالانه در جهت سرنگونی رژیم شاه مبارزه می کرد. رفیق در قیام ۲۲ بهمن در تهران، فعالانه شرکت داشت و در هنگام تصرف با دگان عشرت - آبا دشجاعت فراوانی از خود نشان داد و در خط اول آتش، جانبازیانه در فتح با دگان شرکت جست. بعد از قیام برای ادامه تحصیل به پاریس میروید و در آنجا با مارکسیسم - لنینیسم یکانه ایدئولوژی راه سازنده طبقه کارگر آشنا میشود و پس از مدتی به عضویت اتحادیه دانشجویان ایرانی در پاریس (هوادار سازمان سیکار) در می آید رفیق که در خارج از کشور کمونیست می شود، از ادامه تحصیل صرف نظر کرده و راهی ایران میگردد تا شور انقلابی و ایمانش به زحمتکشان را بصورت نیروئی مادی با انقلاب توده ها درهم آمیزد. رفیق در اواخر تابستان ۵۹ برای همیشه به میهنش باز میگردد، جاییکه می با بست پیکار غرق در خونش را در بر میگردد.

رفیق در طی مدت کوتاهی که در اهواز بود، به عضویت سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار در می آید و فعالانه و با تمام توان خویش به نبرد برای راهائی زحمتکشان می بردا زد. حندی از آمدنش به ایران نگذشته بود که جنگ ارتجاعی اخیر درگیری شود. رفیق حسین در طی این مدت فعالانه همراه دیگر رفقای سیکارگر به اشاگری جنگ غیر عادلانه کنونی

طیفه کارگر در راهائی خلقهای ستم دیده ایران بر حاد سرخ انقلاب دموکراتیک خدا میریالیستی ایران و بسوی حامه سوسیالیستی مصما نه راه بسباریم. ما بلسویک و اربا دشمنان طبقه کارگر خواهیم جنگید و از دشوار ربهای راه هرگز نخواهیم ترسید و چراغ راهنمایمان، اندیشه جهان شمول مارکسیسم لنینیسم را همواره فراراه خودنگساره خواهیم

افروز به اعدا محکوم شدند...
سیام پناز ا شاره به عشق آتشین رفقای شهید به آزادی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان و کینه عمیق و انقلابی آنان نسبت به دشمن و تحاریبی که آنها طی بیمودن راه بر فرازونشعب مبارزه از خود برجای گذاشته اند چنین میافزاید "امروز با نثار شاخه های گل بر مزار شهیدان ما نیکبار دیگر بیمان میبندیم که در راه آزادی

دانشجویان انقلابی، تظاهرات باندهای ارتجاعی در برلین را برهم زدند

حدود سه هفته قبل طرفداران باندهای ارتجاعی بختیارویا لیزبان و اوسسی در شهر هامبورگ اعلامه‌ای بخش کردند. آنها در این اعلامیه ضمن تشریح نظرات و برهانه‌های خود، تشکیل جلسه‌ای را به اطلاع ایرانیان رسانیده بودند. بلافاصله پس از بخش این اعلامیه، کمیته هماهنگی متشکل از دانشجویان هوادار سازمان با واقلیت سازمان چریک‌های فدایی و مجاهدین خلق و دیگر نیروها موضع گرفته و اعلام نمودند که هرگونه فعالیت از طرف این باندهای خائن با مقاومت و برخورد شدید دانشجویان انقلابی و مترقی مواجه خواهد شد. جلسه یاد شده انجام نگرفت تا اینکه در روز جمعه ۵۹/۸/۹ با ردیکرا اعلامه‌ای از طرف باندهای ارتجاعی و مدخلقی در دانشگاه برلین بخش شد. در این اعلامیه تشکیل جلسه‌ای بعنوان "مجمع عمومی سازمان دانشجویان ایرانی" اطلاع داده شده بود. این اعلامیه با اسامی مختلف از قبیل جبهه ناسیونالیست‌های ایران "یا" جبهه آزادیبخش ملی ایران "امفا" شده بود.

همانروز کمیته هماهنگی با سرکزاری جلسه‌ای تصمیم به تشکیل جلسه‌ای مرکب از تمام ایرانیان مترقی میگردید تا با مطلع نمودن فعالیت تمام ایرانیان مترقی، از تجمع باندهای ارتجاعی جلوگیری نمایند. هنگام شب حدود ۱۵ نفر از دانشجویان مترقی و انقلابی به هتل محل تشکیل جلسه باندهای ارتجاعی حمله کرده و با حدود ۴۰ نفر از طرفداران ارتجاع مواجه میشوند. دانشجویان به محض ورود به سالن هتل، عکس پسران را (که بنا بر مفاضاها کپیبرداری نموده شده بود) پاره کرده و با طرفداران باندتهای ضد خلقی درگیر شدند. در این زد و خورد و تفرق از دانشجویان انقلابی بطور وسطی زخمی گردیدند. درگیری بعد از مذاخه پلیس و دستگیری چهار نفر از دانشجویان و دوتن از عوامل ارتجاع خاتمه یافت. چهار دانشجوی زندانی بعد از ۲۴ ساعت آزاد شدند اما طرفداران ارتجاع بجرم اقدام به قتل دانشجویان و زدن پلیس هنوز در بازداشت سربری برند.

پس از این درگیری، کمیته هماهنگی به ایرانیان مترقی تمام شهرهای آلمان خبر داده و خود را برای مقابله با تظاهراتی که باندهای ضد خلقی قرار بدهند روز یکشنبه ۱۱ آبان سربا کنند آماده نمود.

روز یکشنبه دانشجویان مترقی و انقلابی با در دست داشتن پلاکاردهایی به محل شروع تظاهرات با باندهای ارتجاعی وارد شده و از انجام تظاهرات جلوگیری میکنند. طرفداران ارتجاع که از طرف پلیس حمایت می شدند با کمک پلیس

سوار ما شینهای خود شده و از معرکه فرار میکنند. پس از آن، دانشجویان مترقی تظاهراتی بسز علیه فعالیتها و تظاهرات باندهای ارتجاعی سربا میکنند و طی درگیری با پلیس ۱۲ نفر از دانشجویان دستگیری شوند. ساعت ۲ بعد از ظهر حدود ۶ نفر از دانشجویان برای اعتراض به دستگیری ۱۲ نفر و آزادی بدون قید و شرط آنها دست به تحصن میزنند که در نتیجه آن تا ساعت ۱۰/۵ شب همانروز تمام دانشجویان دستگیر شده آزاد میگردند. حال با اینکه در همان روز کمتر از ۱۰۰ نفر از دانشجویان فالاز و عناصرا وابسته به رژیم جمهوری اسلامی نیز ظاهرا برای برهم زدن تظاهرات سخنیا ربهیا و دیگر در اردوستانهای مرتجع شرکت داشتند، اما بیشتر شعارها بیجان سر علیه نیروهای کمونیستی و انقلابی بود. لازم به یادآوری است که رژیم جمهوری اسلامی عوامفریبانه وجود این عده محدود در محصل تظاهرات را حتمسگ قرار داده و مرور آنست فعالیتهای انقلابی دانشجویان مترقی را به حساب این عده کارسکن و خرابکار گذاشت. کمیته هماهنگی دانشجویان پس از اعلام موفقیت دانشجویان در جلوگیری از فعالیت عناصرا ارتجاعی در آنروز، اطلاع میدهند که از این بعد نیز هرگونه حرکت ارتجاعی از طرف این عناصر خائن با مقاومت شدید دانشجویان انقلابی و مترقی روبرو خواهد شد.

بزرگداشت ۱۳ آبان در صومعه سرا

در سالگرد ۱۳ آبان، روز دانش آموز، رژیم در کلبه شهرها اعلام را هیما شتی کرد. در صومعه سرا نیز ما سوران دست نشانده رژیم بعسی گردند با شیرنگ و شهید شده‌های مردمودانش-آمران را بدنیاال خود بتظاهرات بکشند اما دانش آموزان انقلابی هنرستان صنعتی زیر بار زور ترفندها و با صفت مستقل و با شعارهای انقلابی به خیابانها میریزند که با استقبال مردم زحمتکش روبرو شده و توده‌های آگاه شهرها آنها می سبوند. ارتجاع به وحشت میافتد و با هجوم به صفوف مردم برای پراکنده شدن آنها بر و آل همسنگی دست به تسلیک زدند. در این واقعه هواداران مجاهدین با برخورد سازکارانه و فدا شیان (اکثریت) با برخورد خائنانه بعسی میگردند مردم رزمنده را بدست با ارتجاع بکنانند. هواداران فدا شیان (اکثریت) با لجن پراکنی سر علیه مبارزات توده‌های زحمتکش و نیروهای انقلابی سبزه هواداران سازمان "بیکار"، نوگری خود را به رژیم جمهوری اسلامی بنمایش گذاشته ولی توطئه‌های پتان در مردم مبارزکار رگرنیا فتاد.

بدنبال این تظاهرات برشکوه، مزدوران رژیم مذبحخانه به تعطیل دومرسه اقدام کردند، سی خبر از اینکه نمیتوان با این دسائس رشد انقلابی نوده‌های آگاه و سرفراکار آگاهی بخش را "تعطیل" نمود. خلاصه شده از اعلامیه‌های "کمیته گیلان" سازمان بیکار

عقب نشینی تاکتیکی رژیم در برابر مبارزه معلمین اخراجی

بدنبال اخراج انبوه معلمین متعهد و انقلابی توسط کمیته‌های با مطلع پاکسازی، جنبش اعراضی کارکنان اخراجی ابعساد کسرتده‌ای بخود گرفت. افشاء گریه‌های سازمان-های انقلابی و مبارزه اخراجیان، رژیم رسوا را رسوا تر کرد. سردمداران رژیم در مقابل امواج مبارزاتی معلمین و برای ساکت کردن معلمین مبارز و فریب آنان دست به حیل‌های جدید زد. کمیسیون اصل ۹۰ "مجلس شورای اسلامی" طی نامه مورخه ۵۹/۷/۱۲ بدست نخست وزیر مکتبی کلیه تصمیمات کمیته‌های پاکسازی را پس از ۶ شهرور ۵۹ "غیرقانونی" اعلام میکنند و وزیر مشاور را جانی مرتجع که سردمدار تفضیه و اخراج معلمین آگاه و مبارز بود طی حکمی به موسسات دولتی اجرای دستور "مجلس" را خواستار شده است. ولی تاکنون هیچکدام از مقامات آموزش و پرورش آنرا اجرا نکرده اند و معلمین را همچنان سر مبدوانند. مسئولین آموزش و پرورش با رها گفته اند که معلمین "جیبی" (یعنی مبارزان انقلابی و متعهد) را سهیل چوبه‌ها زمینگردانند. مبارزه معلمین برای لغو احکام "اخراج" علیه همسایان و توطئه‌های سردمداران رژیم همچنان ادامه دارد. علاوه بر اخراج شکان، وزارت آموزش و پرورش از استخدام سلسله‌های کفیلای تعهد خدمت سردها تده خودداری مینماید و چون با کمیبود سرمایه‌ها است برای تدریس دروس دبیرستانها از دیلیلمه‌های "مکتبی" که از انجمن اسلامی با "حجت الاسلامی" و یا حزب فراگیر معرفی نامها دارند استفاده مینماید. بویژه در مورد زنان معلم سختگیری بیشتری اعمال میشود و این از دید بسیار عقب مانده این عناصر "مکتبی" نسبت به زنان و مشکلات آنان ناشی میشود. عنصر مرتجع بنام حکیمی مسئول مدارس را همایشی در آموزش و پرورش ناحیه ۱۰ مرکز که در مورد استخدام همه کارها است علنا گفته است که معلمین استخدام نمی کنیم!

هم اکنون تنها در تهران بیش از ۱۲۵ لیسانسیه برای گرفتن حقوق حقه خود مبارزه میکنند.

بقیه از صفحه ۲۷ جرخش...
کودکان "هستند (یعنی مردان برای "سهادب" در مناطق جنگ زده مانده اند!) کمک و یاری رسانند. بهر حال امکانات محدودی که رژیم بطور اجباری در اختیار آوارگان جنگ گذارده و نیز دستور برداخت حقوق آنها (که از سوی رجائی ما در شده است). تنها و تنها در اثر مبارزه و فاشگری توده‌های زحمتکش جنگ زده و نیروهای کمونیست بدست آمده و نشان وحشت عمیق ارتجاع از گسترش امواج اعتراضی مردم زحمتکش و سر بخشی مبارزات افشاگرانه کمونیستها میباشد.

ملاحظات کوتاه

رابطه به جبهه رفتن بزرگان و بردن زخمیها

در شماره‌های گذشته، خبری داشتیم در مورد بازگشت خامنه‌ای "اما جمعه تهران" از جنوب و اینکه اسان سلب همراه داشتن ۶ پاسدار از پذیرفتن یک بیما رنجگی در ترف مرگ خودداری کرده بودند. مطلب بالا کواهی است سرنوشت ما، سردمداران جمهوری اسلامی در حیحوه جنگ نجا و زکرا نه ارتحای که زحمتکشان مبین ما را با مشکلات فراوان ارجله قحطی، گران، کمبود سوخت و سرما... و بیرو سواخته است. برای کامل کردن فیلمهای تبلیغاتی شان و انداختن عکسهای یادگاری برای جاب در روزی نامه‌ها و تظا هر به اینکه زمین "تتش و خون" میایند، حتی حاضر نیستند که با هوا سبما ها بشان محروجن اسن جنگ را که خودا زمسببین بروزش هستند به دکترودا رو بپرسا نند، جان آنان که ارزشی ندارد! مهم این است که آنها "شهید" میشوند و از نینسنی آنان این مفتخوران به قدرت خزیده سستی می یابند.

"خیرات جنگ!"

از آیت الله خمینی بگیرتا بقیه، همه بگیر از "خیرات و سرکات" جنگ حرف میزنند و زحمتکشان ما جز خانه خرابی و آوارگی و سیکاری و از دست دادن عزیزان و جزگرا نی وحشتناک و فلاکت "خبر"ی ندیده و نمی بینند. اسن ما هبت سرمایه داران، طرفداران آنها و دشمنان خلق است که در راه حفظ منافع طبقاتی خود توده‌ها را قربانی میکنند و آنها را علاوه سراجبا روتهدید، بازبان "خوش" و فریب دادن و گول زدن به جهنمی که خود سا ختاند، سه ففرو بیدبخنی هر چه بدسترس کسبل میدارند.

حقیقتا این جنگ ارتحای نمی توان سنسنه خبری بپا ر آورد، اما با سگفت که یک خیر برای مردم سا ر مپا ورد، و آن بدون شک ربختن هر چه سبستر توهمهای آنان به رژیم است، توده‌ها در این جنگ بهتر از هر وقت دیگر، هدفها، عملکردها و ما هبت این رژیم را خوا هندشناخت اعتمادشان از رژیم کسسته سر خواهد شد، این وظیفه کمونستها است که ما ره نمودها و سازماندهی آنان بروسه انقلاب را سریع کنند، آری اسن را منسود خبرات جنگ تا مسد، خبری که جز با بودی برای دشمنان زحمتکسان معنی نمیدهد.

توضیح:
در مطلب مربوط به "دادکا هپای اداری..." (سکا ره ۸۰ صفحه ۱۹) نام "سکرف نخعی" کقبیل ورا ر آ مورس، "سکرفد مخفی" جاب شده است که بدیسوسله صحیح مگردد.

تاکسیرانان زحمتکش!

رژیم کما برای نامن امکانات مالی جیب خریدگا لاهای امیربالیسی و اسلحه و مهمات جنگی از امیربالسنها و ارحم... امیربالسن آمریکا، احتساج به بول دارد برای این منظور رژیم میکوشد تا از طرفی جیره بیدی افزایش قیمت ها، اقراس مالسا تیا وعبره بید، نوده‌های مردم سا ر آورد و سقیمت ففرو فلاکت مردم حمیای خود و سرما سدا ران را سركند، آخرین اقدام رژیم افزایش قیمت سبزیس اریک نومان به ۳ نومان میباشد، اسن اقدام ضد مردمی بحی با رما بیتی مردم زحمتکش ما از جمله راسدگان تاکسی را بپرا تگخته است، زیسرا مردم ما بحوسی میدا نند که افزایش قیمت سبزیس یعنی افزایش نمان جناس و کالاهای مورد نیاز مردم.

حال دولت ضد خلقی جمهوری اسلامی برای جلوگیری از رشد بی سابقه نارصایتی مردم اعلام کرده که قیمت سبزیس برای تاکسی ها یک تومان است، اما در حال حاضر رانندگان تاکسی باید برای هر لیتر ۳ نومان بپردازند و مابه التفاوت بهای سبزیس بعدا بپگردانده خواهد شد، رژیم و همه سردمداران آن دروغگویی پیش نیستند مگر همین رژیم نبود که مابه التفاوت ۴۰۰ تومانی تاکسی رانان را نپرداخت؟ پس مسلم است که مابه - التفاوت ۱۸۰۰ تومانی فعلی را هم پرداخت نخواهد کرد. زیرا، رژیمی که در سحران اقتصادی شدیدی قرار دارد، رژیمی که خواهان ادامه جنگ ارتحای میباشد، رژیمی که در پی خرید اسلحه از امیربالسن خونخوار آمریکا است، آری چنین رژیمی باید خون مردم را بکشد تا منابع مالی خود را احیان کند، رژیم میکوشد تا رانندگان نا آگاه را فریب بدهد و بعدا اعلام کند که بحاطر "مستضعفان" (و در واقع بخاطر سرمایه داران) ۱۸۰۰ تومان را هم نخواهیم پرداخت.

بعلاوه همانطور که رجاشی گفت افزایش قیمت سبزیس محدود سه زمان جنگ نیست، بلکه این افزایش که حر غارتگری رژیم جیز دیگری نمیباشد برای همیشه تثبیت خواهد شد، بنابراین رژیم سه تنها مابه التفاوت را پرداخت نخواهد کرد، بلکه همچسن از این پس برای همیشه در هر لیتر ۲ تومان از رانندگان غارت میکند. رجاشی و قیچانه میگوید که هر لیتر سبزیس برای دولت ۳۲ ریال تمام میشود و از این رو حازه ای جز افزایش قیمت آن تا سه ریال نیست این دروغی بزرگ و ادعای اوجانرم آوری است که حتی شاه خائن سبزیبا تمام عوام فریب سبش دست به حنسن ادعاشی نزد کسبست که نداند قسمت تمام شده سبزیس در کسوری که روی نفت خوا سید ه و ساد ستمیزه از ان کارگر ابراسی سسار کمتر از ده ریال میشود و دروغ سبزداری رجاشی جزئی جز سحمیل فسار جنگ و سوده نظامی دولت سسر روی کارگران و زحمتکسان نیست.

کمکهای مالی دریافت شده

تهران: م	۲۲۳۰	ب	۸۷۰۰
الف	۵۹۹۰	ب	۱۵۰۰
۶۵۰۰	۲۱۰۰	ب	۹۸۰۰
۱۴۹۸۰	۲۷۰۰	ب	۲۹۰۰
۲۵۰۰	۲۳۵۰	ب	۱۴۰۰۰
۱۰۰۰۰	۹۴۰۰	ب	۳۵۰۰۰
۵۱۰۰	۱۰۰۰۰	ب	۶۰۰۰
۱۱۰۰۰	۱۲۷۰۰	ب	۲۸۰۰
۱۷۵۰	۴۴۰۰	ب	۲۳۰۰
۱۳۱۰۰	۹۰۰۰	ب	۸۲۰۰
۶۰۰۰	۱۰۴۰۰	ب	۵۱۰۱۰
۶۲۳۰	۲۵۰۰	ب	
۳۵۰۰	۴۵۰۰	ب	
۱۰۱۱۱۰		ب	
۵۵۵۵		ب	

- تهران:
- ۱- رفیق احمد ۲۲۰۰ ریال
 - ۲- ه - ن ۱۵۰۰۰ ریال
 - ۳- م - الف ۲۰۰۰۰ ریال
 - ۴- رفیق مادر ۳۰۰۰ ریال
 - ۵- کارگر کفاش ۲۵۰۰ ریال
 - ۶- ه ه هدیهات رسید.
 - ۷- رفیق کارمند ف ۲۰۰۰ ریال
 - ۸- جوادیه ه - ب ۱۰۰۰ ریال
 - ۹- رستاران هوادا ۴۳۰۰۰ ریال
 - ۱۰- راننده تریلی (م - ن) ۵۰۰۰ ریال
 - ۱۱- رفیق م ا هدیهات برای پیشمرگان رسید.
 - ۱۲- رفیق مادر ع - ۴ ۵۰۰ ریال و چند مورد کمک مالی رسید.
 - ۱۳- رفیق رضا هدیهات به ا صافه ۵۰۰۰ ریال رسید.
 - ۱۴- رفیق ر - ۵۶ ۱۰۰۰ ریال کمک مالی به ا صافه هدیهات رزندهات رسید.
 - ۱۵- رفقای (ت - ۲۲) هدیه سما برای بیمارستان صحرایی کردستان رسید.

- تبریز:
- ۱- کارگر تراکتور سازی ۵۰۰۰ ریال
 - ۲- رفیق گار بیگی ۱۳ ساله ۱۰۰۰ ریال
- لاهیجان:
- ۱- رفیق مادرم - ل ۵۰۰۰ ریال
 - ۲- رفیق ا - س خانه دار ۵۰۰۰ ریال
 - ۳- رفیق ۲۱۴ - ه هدیهات رسید
- شبه:
- ۱- دهقانان زحمتکش یک روستا ۲۰۰۰ ریال
 - ۲- رفقای کارگر ۵۰۰۰
 - ۳- رفیق مادر - ن ۱۵۰۰

- اسلامشهر:
- ۱- رفیق م - خانه دار ۵۰۰۰ ریال
 - ۲- رفیق فاطمه خانه دار ۲۰۰۰ ریال
- گرج:
- ۱- معلم هوادا ۱۰۰۰۰ ریال
 - ۲- ب - ۵۰۰ ریال
- اسمال س - ل:
- ۱- از سمال س - ل ۴۰۰۰ ریال
 - ۲- رودس - رفیق هوادا ۳۰۰۰ ریال
 - ۳- میا ندوآ ت - ر و دانس آمورسال حصار م دبستان ۲۵۰ ریال
 - ۴- اردبیل - رفیق مادر - م - ۹۹ یک کونسی سبب زمینی و د کلتور و غن
 - ۵- خرم آباد - ع ۲۰۰۰۰ ریال
 - ۶- کرمانشاه - ر س معلم ۳۵۰۰ ریال.
 - ۷- رفقای شهری، هدیه سما را رزنده و سسروری شما رسید.

ملاحظات کوتاه

تاسیه روی شود هرکه در او غش باشد

درباره فرماندهان ارتش ساکنی که به امر آمریکا بک سه "مسلمان و انقلابی و حشر" شدند از طرف آیت الله خمینی و دیگر مسئولین پس از قیام مورد سبترین حمایتها و تحیدها قرار گرفتند. ما با رها افشاگری کرده ایم و نشان داده ایم که وجود ارتش ضد خلقی برای رژیم جمهوری اسلامی نهایت ضرورت را دارد. مادر سکا رسا ره ۶ مورخه ۱۴ خرداد سال گذشته تسمار فرید رئیس ستاد ارتش جمهوری اسلامی را با اسنادی که کتابی که او تحت عنوان "عصر استعمار زدائی" نوشته افشا کردیم و کفتم که او از ابتدا تا انتهای کتاب دو خط را دنبال میکند یکی طرفداری از امیرالمسلمان امریکا و دیگری مداحی از رضا شاه. و حالا سی اس از ۱/۵ سال پیچاد - نیوی مساورت نخست وزیر اورا فدا انقلابی و فرما سونرمتا مد (روزنامه جمهوری اسلامی ۱۷ آبان) وقتی ما و دیگر کمونیستها و انقلابیون افشاگری میکنیم سروصدای آفابان بیرون می- آید که "سافدا انقلابی" ارتش را تضعیف میکند "سابعه را کنی میکنید"، "امریکائی هستد" و غیره ولی وقتی گند قضا سا در آمد، وقتی ضد انقلابی های ساواک و ارتش و وابسته به رژیم سا بقی نوطه ها سا بر ملا شد، سران جمهوری اسلامی به قطره ای از دریای سازشهای خود اعتراف میکنند. اما آیا این اعترافات آنا نرا از خم خلق های ما که روز بروز آکا هتر می شوند و به صحت سخنان و مواقع کمونیستهای میبیرند نجات خواهد داد؟ زشکاران و خائنان به خلق خون "غی" دارند "سیره ی" اند.

مؤذن از اول کور نبود!

دو هفته پیش در سکا ر ۲۹ داستان حقه با زان کوری سرکرد (سرهنگ شده) مؤذن و "فیلمی که رژیم در آورد" را افشا کردیم. بد نیست از سنی - صدر که همگرا و هم دست همینها بوده و هست سنوید که در "کارنا مدریس جمهور" مندرج در انقلاب اسلامی ۱۸ آبان میگوید:

"کسانی نیز یافت میشوند که از راه سعیده - با زی، ترس، خودسان را در قالب شاعتی - مصنوعی از داستانهای قلابی می سوانند. از جمله آنها سرکردی است که من نمیخواهم از نام ببرم. این شخص ادعا کرده که در جنگ کور شده و طبیعی به من اطلاع داده که در چشم و هیج بیماری نیست و میگوید که نما بنویسد که من برای معالجه با بدنه انگلستان بروم و..."

می بیند که این سار "شاهدان غیب" نرسیده بلکه از خود رژیم رسیده است!

فعال بودند و کدسته از طرحهای کاربکا نسوری روزنامه های لسرالی سرفا له انقلاب اسلامی نوشته غضنفریور که دو باره در روزنامه سان حاب ندومقا له طولانی کنیا ن ۲۱ آبان در مورد خائنان روسیونیست اکثریت فدائیان، از منوله همان تعرضی لبرالها برای "اسات حفا ننت" خوئس و زمینهای حا معدسرای سسر دسا ستها سان سوده است.

لیبرالها و ترس از کمونیسم

لیبرالها که در تعرض خودننها به ما هدسن بر خوردنکرده اند، (و در حفا ننت با انعکاس دادگاه سعادتنی بنحو مطلوب حتی خواسته اند بدل ما هدسن را نیز ستر دست آورند). سددسا به کمونیسم کمونیستها و رهبران کبیرس لنین و استالین حمله ور شده اند.

لسرالها خوب میدانند، دامن اطلسان کست، آنها میتوانندنا حزب جمهوری اسلامی وسابا روسیونیستهای خائن خروخفوسی و کارگران سوسال امریالیسم در وحدت سر برند، اما هرگز نمی سوانند، از وحدت کمونیستها بر خوردنلرزند، سلامتسان در مجلس به دوزدو زانی گفت فقط لسرالسم متعلق به کمونیستها و استالین است در سرفا له انقلاب اسلامی ۱۷ آبان ومقاله لغای ایدئولوری غضنفریور ومقاله روزنامه میزان (۲۵ آبان) تحت عنوان "مازکسیم و سازشکاری"، لبرالها شدیدا به کمونیستها حمله ور شده اند. "میزان" خائنان که نویسندنا را نیز سازشکاری مینما مدوبا آوردن حند حمله از لنین کبیر (جزوه بیبماری حپ روی) میگوئند ضمن سواندن ماهیت خائنانها سب کمونیستها سددسا حمله کند، میزان میگوید سشوال اینکه کمونیستها سازشکار هستند یا نه، مثل این است که بگوئیم حنا سکا ران با انصاف هستند یا نه... تلان لسرالها در این است که بگویند، لبرالیسم ساخته دست کمونیستها ست و نیروهای ما نند حزب جمهوری سنا پیدازان استفاد کنند، علاوه سرنها، لسرالها در تعرض خود به حزب طبقه کارگر و دیکتاتوری بیرولتا رسا (مقاله غضنفریور) سددت حمله کرده و کوشیده اند تا به خال ساطل خود، سوده ها را نسبت به آلترنا تیو کمونیستها بدین سازند، تعرض لبرالها به ما هیما ساسی ما رکیسم وبخصوص حزب طبقه کارگر و دیکتاتوری بیرولتاریا، نشان هراسی است که آنها از دشمنان طبقاتی خود دارند، آنان نمایندگان آن طبقه ای که وظیفه دارد سوزواری را در گور کند خوب می سنا سندی بصورت جنگ تسلیماتی لسرالها بر علیه سآلترنا تیو، دوا لترنا تیو ارتحاعسی (حزب جمهوری و روسیونیستهای خروخفوسی) و یک آلترنا تیو انقلابی (کمونیستها) در هفتسه گذشته سددت بیشتری گرفت، چرا که لسرالها مترمدا نند تا قدرت بسیار بیشتری را در حاکمیت بچنگ آورند و رقیب را به پذیرش نظرات خود وادارند، ضمن آنکه آلترنا تیو روسی را دفع

بقیه از صفحه ۲۸ لبرالها...

حزب جمهوری نیز مشهود بود لبرالها به تا سید وتحسن اقدامات بنی صدر در جنبه سردا ختسه و سراسی در مجلس امفاحع کردند.

سنی صدر و دیگر لبرالها نیز سراسر مسئله ارتش دست به تعرض زدند و به حزب جمهوری و نصوص ما هدسن انقلاب اسلامی در مورد نظراتسان نسبت به ارتش سددسا حمله ور شدند. سنی صدر در مقابل سخنان خائنها ی که گفته بودا کربجر ف روحانیون کوش میدادند، خر میسرفوط نمیگردد سنا آنها که تخصص ندا رند و سخن میگویند حمله کرد سنی صدر در مورد جزوه ما هدسن انقلاب اسلامی در مورد ارتش که برخی از فرماندهسان را خائن خوانده بیدند، هندا ردا دوا نرا سسرای روحیه ارتشنان نامناسب خوانند.

تعرض ساسی لسرالها به حزب سراساسی - ترین مسئله مورد اختلاف، یعنی سرکردگی در ارتش وساست خارجی نیز هم چنان ادا مدها ردا. طبیعی است از آنجا که این دو جناح ارتحاعسی بر سر شیوه با زسای سستم سرما به داری واسته اختلاف دارند. (در عین وحدت در مقابل انقلاب) این دعوا به این زود بیا یا ن نگرفته و بسا او جگیری جنس شده ها و سنا توانیهای رژیم ابعادوسیتری نیز بخود خوا هد گرفت. میا رزه طبقاتی زحمتکسان در با بسین بالاشیا را بیشتر بجان هم خوا هدا نداشت.

لیبرالها و انعکاس جنگ تبلیغاتی امریالیسم آمریکا و سوسیال امریالیسم روس

حزب توده که بیس از قیام لسرالها تی خون شریعتمداری، مقدم مراغه ای، بازرگان، حاج سید حوادی و... را تبلیغ میکرد (را دیوپسک ونوبد) و سس از قیام نیز به رنگ آمیزی لبرالهای از قماش بازرگان و دفاع از حاکمیت دولت موقت می - برداخت، اگر چه حزب توده در جها رچوب سسازش فعلی جها تی امریالیسم غرب و سوسال امریالیسم در مقابل انقلاب طبقها (هر چند سنا حفظ تضادهای درویشان) اکنون نیز به دفاع از بنی صدر میردا زد و در مقابل انقلاب، خود را طزم به حفظ همن حاکمیت و لبرالهای درون آن میداند، اما در جها رچوب تضادهای جها تی، تضادهای منخمی نیز با این هئیت حاکمه وبخصوص لبرالهای درون آن دارد. حزب توده که ابتدا با مهندس بازرگان سخواست راه رشد غیر سرمایه - داری و سوسیالیسم روسی برپا دارد، اکنون تقریبا از لسرالها نا امید شده و سنا سوسیالیسم حزب جمهوری اسلامی ستا فته است. (اگر چه حزب جمهوری نیز در مجموع به امریالیسم غرب قیرابیت بیشتری دارد تا سوسیالیسم امریالیسم) بدین ترتیب حزب توده (وسس از کار ۱۵۹ اکثریت فدائیان) هم و غم خود را در تقویت جناح حزب جمهوری اسلامی در حاکمیت صرف میکنند. بدین ترتیب، حندما هی است که ما سنا هدمخالفت حوئی میان لبرالها و روسیونیستهای خروخفوسی هستیم. لبرالها در هفته گذشته در این عرصه نیز

لیبرالها: تعرض سیاسی



میزان، انقلاب اسلامی و کیهان یاران غمگسار امپریالیسم آمریکا

جنگ به تنشها تهاذهای درون هیئت حاکمه را کاهش نداد، بلکه قدرت را وارد مرحله شدیدتر و حادتری نمود. لیبرالها با اتکال به ارتش کوشیدند مواضعی را که در هنگام آغاز کار مجلس و انتخاب رجائی بعنوان نخست وزیر از دست داده بودند، ترمیم بکنند. اما در عوض مدام زیر حملات حزب جمهوری اسلامی فرارداشته و سه عقب نشینی‌ها را نیز دست زدند. حزب جمهوری اسلامی با در دست داشتن مجلس و کابینه بی‌درستی موفقیت‌های بیشتری بجنگ آورده و از نظر سیاسی نیز به لیبرالها تعرض کرده و با رنکست در جنگ را بدوش ارتش و لیبرالهای می‌انداخت. جنگ بر سر تسلط بر رادیو، تلویزیون، جنگ قدرت را ابعاد وسیعتری بخشید. حمله لیبرالها با مباحثه قطب زاده در تلویزیون شبکه ۲ به ضد حمله حزب جمهوری اسلامی و دستگیری قطب زاده انجام میداد این ضد حمله نیز با فوغای تبلیغاتی لیبرالها و فتنه بازاریان و روحانیون لیبرال و... خنثی شد.

بوده‌اند، در هفته گذشته، پس از بیست و یک روز حصول به جنبش امری، دست به تعرض زدند. انقلاب اسلامی ۲۰ آبان در تحلیل خود در مورد آمریکا، کجروگانها و انتخابات، ضمن دفاع از حزب دموکرات آمریکا، اعلام کرد که "در انتخاب ریگان ایران مقصر بوده است."! انقلاب اسلامی معتقد است که اگر دست باندان اقدامات "بی رویه و نادرستی" زده نمیشد، ریگان انتخاب نمی‌گردید. با وجود اینکه این روزها مذهب لیبرالی به ادا و اطوارهای دروغین "فدا مبریا لیستی" جناح رقیب (حزب جمهوری اسلامی) انارده دارد، اما بعضی اتکار است که لیبرالها روحیه فدا مبریا لیستی توده‌ها را نشانه رفته و گذشته از تعرض به جناح مقابل و افشای حرکات دروغین آنان، در واقع خواهان روایتی عادی و حسیه با امپریالیسم هستند و برای این، با تعرض به حور و حیه فدا مبریا لیستی توده‌ها، میکوشند زمینه "ماه عمل" رژیم را با امپریالیسم آمریکا پدید آورند. لیبرالهای انقلاب اسلامی که معمولاً زیرکانه سخن میکوبند اینک اتکار را به تبلیغ جناحهای منحصی از

جنگ ایران و عراق و اهمیت یافتن بیست و یک روز ارتش، نیز از به سلاحها و وسائل یکدیگر آمریکا می، نیز از سیستم سرما به داری وابسته به عادی تر شدن روابط با امپریالیسم و لغو تحریم اقتصادی که خواست رژیم ایران از آمریکا است در کنار حل مسئله گروگانها در مجلس با نازلترین شرایط ممکنه، شرایط مناسبی را برای تعرض لیبرالها فراهم کرده است.

روزنامه‌های زیر سلطه لیبرالها یعنی کیهان یزدی میزان با زرگان و انقلاب اسلامی بنی مصدر یکمدا با یکدیگر و بر مننای یک خط واحد به رنگ آمیزی امپریالیسم آمریکا، حمله به سویال امپریالیسم شوروی و مزدوران (البته از موضع منافع امپریالیستهای غرب و نه از موضع توده‌های میهن)، تعرض به "بی قانونیها و قدرت طلبی‌های جناح رقیب" و مخصوص حمله به کمونیستها پرداخته‌اند.

سوزاندن پرچم آمریکا آتش تجان لیبرالها

لیبرالها که همواره در جهت بازسازی کالمنتر سرما به داری وابسته، خواهان بهبود و گسترش سریع روابط با امپریالیسم آمریکا

لیبرالها و جنگ قدرت با حزب جمهوری اسلامی

بک آلترناتیو، حزب جمهوری اسلامی است در دو هفته گذشته تعرض سیاسی به جناح رقیب وارد مرحله جدیدتری شد و آن مبارزه بر سر بدست گرفتن رادیو و تلویزیون بود، پیروزیهای حزب در مجلس، تعرض لیبرالها را در مباحثه تلویزیونی قطب زاده بدنبال داشت و این دستگیری خودیها نهی فرا هم کرد، تا لیبرالها دست به تبلیغات وسیعی برای بهبود وضعیت خود بزنند. عنصر لیبرال و خائنی چون قطب زاده به عرش اعلا برده شد و حزب جمهوری اسلامی و ادار به عقب نشینی گشت. فریاد "واقانون اساسی" بلند شد و لیبرالهای خائنی چون بازرگان و بنی مدرکه در کنار دلادان حزب جمهوری اسلامی دستشان به خون هزاران کارگر، زحمتکش و کردو ترکمن آغشته است، صحبت از آزادیها و قاننون کردند. نمایندگان لیبرال مجلس اعتراض کردند و اشرافی و نوری و بازرگان و یزدی و دیگر لیبرالهای شناخته شده در انقلاب اسلامی و کیهان و میزان به تاخت و تا زبرد اختند، تنها کم لیبرالها در زمینه دفاع از بنی مدره در مقابل

تاکنون ۷ پیکارگر قهرمان در خوزستان جنگ زده بشهادت رسیده‌اند

در نبرد غیرعادلانه کنونی، رفقای قهرمان ما زمان ما دلورا نه در کنار توده‌ها به تبلیغات و امدا دویاری به جنگ زدگان می بردارند. علاوه بر رفقای شهید محمد شرفی، منوچهر نیک اندام، نکرالله دانشبار، حسین نورائی و حمید رحمانپور که حریان شهیدان را در شماره‌های گذشته آوردیم، دور فیک بیکارگر قهرمان دیگر رفیق غلامسقا و بهرام شاهوران از رفقای ما زمان بیکار در حربه جنگ هنگام انجام وظیفه ما زمانی بشهادت رسیدند.

ما زندگیمان را در رفقای قهرمان را در شما ره آینده خواهیم آورد.

حضور دلورا نه رفیقانمان در حربه‌های جنگ نشانه میثاق خونین سازمان بابا زحمتکشان ایران است

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست